



واکاوی نقش انتخاب های فرهنگی در شکل گیری ساختار خانه های بومی (نمونه موردی: خانه های اردبیل در اواخر قاجار و پهلوی اول)*

پریسا محمدحسینی

گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

علی جوان فروزنده**

گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده ی مسئول)

اسماعیل جهانی دولت آباد***

استادیار جامعه شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

علی اکبر حیدری****

استادیار معماری، عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۰۱/۲۶

چکیده:

خانه به عنوان قدیمی ترین و نزدیک ترین سرپناه انسان ارتباطی باافضل با فرهنگ انسان دارد. ارتباط فرهنگ و معماری در معماری مسکونی بومی نمود بیشتری دارد. خانه های بومی حاصل انتخاب ها و نیز سازگاری انسان با محیط در گذر زمان است و از تکامل تجربیات انسان ها در مقابل عوامل مختلف فرهنگی، طبیعی، زیستی، اقتصادی و... در طول زمان شکل گرفته است. ازین رو پرسش اصلی تحقیق در رابطه با پیوستگی، چگونگی و چرایی تأثیر عامل «انتخاب»، به ویژه انتخاب های فرهنگی، در شکل گیری ساختار مسکن بومی اردبیل است. هدف از پژوهش حاضر فهم ابعاد معنایی خانه های بومی اردبیل و تحلیل نقش انتخاب های فرهنگی در نحوه شکل گیری الگوهای فضایی- کالبدی و رفتاری، در سازماندهی ساختار خانه ها است. بر همین اساس تعدادی خانه مربوط به طبقه متوسط شهری از دوره های اواخر قاجار و اوایل پهلوی در بافت سنتی شهر اردبیل به عنوان نمونه های موردی برگزیده شد و ابعاد کالبدی و مؤلفه های فرهنگی و رفتاری مربوط به ساکنان آنها استخراج گردید. مراحل تحقیق در چهار گام پی گیری گردیده است: در گام اول «مولدهای انتخاب» که شامل دو بخش «عوامل محیطی» و «مفروضات اساسی فرهنگ» یا سطح سوم فرهنگ، می باشد، تبیین شدند؛ در گام دوم «سنجه های انتخاب» که شامل متغیرهای سطح دوم فرهنگ یعنی گزاره هایی چون باید ها و نبایدها، هنجارها، قوانین، انتظارات، و ارزش گذاری ها هستند، تحلیل شدند؛ در گام سوم «مظاهر انتخاب» که مصادیق سنجه های انتخاب به صورت «معانی» می باشند، بررسی شدند؛ و در گام نهایی «تموذهای انتخاب» یا الگوهای فضایی- کالبدی و الگوهای رفتاری جاری مرتبط با مسکن و سکونت، تحلیل شدند. روش تحقیق حاضر کیفی است. روش گردآوری اطلاعات بررسی های میدانی، مطالعات اسنادی، و مصاحبه نیمه ساختاریافته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، توصیفی- تحلیلی مبتنی بر روش استدلال منطقی و تحلیل محتوای کیفی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که براساس زمینه های فرهنگی و محیطی مصادیق (مولدهای انتخاب)، انتخاب های متأثر از عوامل محیطی به ویژه عوامل اقلیمی و اقتصادی تأثیر زیادی در سازماندهی کالبدی و انتظام فضاهای مسکونی خانه های بومی اردبیل در هر سه مقیاس کلان، میانی، و خرد داشته است. با این حال چگونگی قرارگاه های رفتاری، نوع استفاده از فضاها، تقسیمات فضایی، قلمروها و حریم های فضایی، چیدمان و ارتباطات فضاها، استفاده از فضاها، اشتراکی و... تحت تأثیر ارزش گذاری ها، هنجارها، الزامات و باید و نبایدهای ناشی از عوامل فرهنگی بوده اند.

واژه های کلیدی: فرهنگ، انتخاب، خانه ایرانی، معماری بومی، اردبیل.

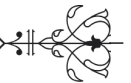
* parisamh22@gmail.com

** alijavanforouzande@gmail.com

*** sml.jahani@gmail.com

**** aliakbar_heidari@iust.ac.ir

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری خانم پریسا محمدحسینی با عنوان «واکاوی جایگاه فرهنگ در شکل گیری الگوی مسکن طبقه متوسط (نمونه موردی: خانه های دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی شهر اردبیل)» به راهنمایی آقایان دکتر علی جوان فروزنده و دکتر اسماعیل جهانی دولت آباد و مشاوره آقای دکتر علی اکبر حیدری در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل است.



۱. مقدمه

خانه نزدیکترین و قدیمی‌ترین سرپناه و ملجأ انسان است. ارتباط خانه با خواست‌ها و نیازهای انسان، عمیق و بلافصل است. خواست‌ها و نیازهای انسان که منبعث از عوامل مختلف مادی و معنوی هستند، در معماری بومی انعکاسی مسقیم دارند. معماری بومی، ساختاری برخواسته از سنت مردمی است که ترجمان مستقیم و ناخودآگاه نیازها، ارزش‌ها و همچنین تمایلات و گرایش یک قوم به زبان فرهنگ مادی آن ملت می‌باشد (راپاپورت^۱ ۱۹۶۹). در میان انواع گونه‌های معماری بومی، معماری مسکونی بارزترین نمود معماری بومی است که حاصل انتخاب‌ها و نیز سازگاری انسان با محیط در گذر زمان است و از تکامل تجربیات انسان‌ها نسبت به عوامل مختلف فرهنگی، طبیعی، زیستی، اقتصادی و... در طول زمان شکل گرفته است. این نوع معماری بهترین نمونه جهت تحلیل شیوه زندگی مردم و نیز کیفیت‌های زیستی آنها برای رفع نیازهای مادی و غیرمادی‌شان به شمار می‌رود. انسان‌ها در طول زندگی خود همواره در موقعیت «انتخاب کردن» قرار دارند. این انتخاب‌ها در اصل شیوه پاسخ‌گویی به خواست‌ها و نیازهای مختلف آنها است و با فرهنگ آنها نیز در ارتباط است. هنجارهای فرهنگی چون بایدها و نبایدها، ارزش‌ها و قوانین عرفی و اجتماعی بر این انتخاب‌ها تاثیر زیادی می‌گذارند. به بیانی دیگر افراد عموماً انتخاب‌های خود را به گونه‌ای انجام می‌دهند که با این هنجارها سازگاری داشته و در تناسب با نوع نگرش آنها نسبت به موضوعات مختلف قرار داشته باشد. به تبع این موضوع در الگوهای معماری مورد استفاده در یک جامعه به ویژه معماری‌های بومی آنها نیز نمود دارد. صاحب‌نظرانی که در حیطه معماری بومی به مطالعه پرداخته‌اند، به نقش محوری انتخاب‌های فرهنگی در شکل‌گیری و تطور معماری بومی تاکید فراوانی روا داشته‌اند و این موضوع را عامل پایداری و ماندگاری این گونه بناها در طول ادوار مختلف معرفی کرده‌اند (راپاپورت ۱۹۶۹؛ اولیور^۲ ۱۹۸۱). در اغلب مطالعات انجام‌شده در رابطه با خانه‌های تاریخی، خانه‌های اعیان و طبقات برتر جامعه به‌عنوان الگوهای

رایج خانه‌های ایرانی معرفی شده است (محمدحسینی ۱۳۹۰؛ ارمغان و دیگران ۱۳۹۴؛ ارژمند و خانی ۱۳۹۱؛ مؤمنی و ناصری ۱۳۹۴؛ حجت و حیدری ۱۳۹۵)؛ این در حالی است که از دیرباز بخش قابل توجهی از بافت مسکونی را معماری مردمی و بومی طبقات متوسط و پایین جامعه شکل داده است. این نوع معماری علاوه بر کثرت و کمیت، دارای ابعاد کیفی و معنایی قابل تأملی نیز می‌باشد که بررسی آن می‌تواند لایه‌های واقعی زندگی انسان و نحوه تعامل وی با محیط زندگی خود را روشن نماید. در این میان معماری خانه‌های بومی اردبیل نیز بخشی از تاریخ معماری این مرزوبوم است که در سایه فراموشی قرار گرفته و نیاز به شناختن و شناساندن دارد. چراکه در میان آشوب و اغتشاش معماری مسکونی کنونی و تقلید از الگوهای بیگانه و غیرخودی، مطالعه معماری بومی و کنکاش در تجربیات نسل‌های پیشین راه‌کاری مهم برای بازیابی الگوهای معماری مسکونی بومی به شمار می‌رود. از سویی شواهد مادی و غیرمادی این آثار ارزشمند در حال از بین رفتن هستند. لذا عدم توجه و نادیده گرفتن مطالعه آنها موجب قطع ارتباط دائمی با الگوهای سکونتی مردم آن روزگار خواهد شد. بر همین اساس، هدف از پژوهش حاضر فهم ابعاد معنایی خانه‌های بومی اردبیل و تحلیل نقش انتخاب‌های فرهنگی در نحوه شکل‌گیری الگوهای فضایی-کالبدی و الگوهای رفتارهای جاری مرتبط با سکونت، و سازماندهی ساختار خانه‌ها است. در این راستا، تعدادی خانه مربوط به طبقه متوسط شهری از دوره‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی در بافت سنتی این شهر به عنوان نمونه موردی انتخاب و با بررسی نظام‌های فرهنگی، شیوه زندگی و الگوهای رفتارهای جاری در آنها، به واکاوی نقش انتخاب‌های فرهنگی در نحوه سازماندهی فضای سکونت پرداخته شده است. بر همین اساس پرسش‌هایی که در این پژوهش به آنها پاسخ داده خواهد شد؛ به شرح ذیل می‌باشد:

۱. نقش عامل «انتخاب» در شکل‌گیری ساختار خانه‌های بومی اردبیل چیست؟
۲. چه عواملی در روند شکل‌گیری الگوهای فضایی-کالبدی





کرده‌اند (شین^{۱۱}؛ ۲۰۱۰؛ راپاپورت ۲۰۰۳) که این تفکیک به سطوح و اجزای مختلف، درک ابعاد و مطالعه مفهوم فرهنگ را تسهیل می‌نماید.

فرهنگ در مطالعه معماری بومی یا مردمی همواره نقشی مهم و اساسی داشته است و بسیاری از پژوهش‌هایی که در ارتباط با معماری بومی به انجام رسیده است، مضامین فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند (گلاسیک^{۱۲}؛ ۲۰۰۰؛ اولیور ۲۰۰۶؛ هت^{۱۳}؛ ۲۰۰۹). با این حال بزرگترین و گسترده‌ترین مطالعه در این زمینه، دایره‌المعارف معماری بومی تألیف پاول اولیور است که در آن معماری بومی نقاط مختلف جهان معرفی و بررسی شده است. ادغام موضوعات معماری بومی و انسان‌شناسی معماری و توجه به بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان در این مجموعه، از دلایل اهمیت آن به شمار می‌رود (اولیور ۱۹۹۷). با این حال برخی پژوهشگران معماری بومی را با هدف استخراج الگوهای معماری گذشته برای معماری امروز مطالعه کرده‌اند و طرح‌های پیشنهادی منطبق با الگوهای بومی ارائه داده‌اند (سامه، ۱۳۹۴) و برخی نیز تاثیر ویژگی‌های محیطی از جمله اقلیم را بر شکل‌گیری الگوهای معماری بومی مورد تحلیل قرار داده‌اند (نیکقدم، ۱۳۹۴؛ مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵؛ چنل^{۱۴} و دیگران ۲۰۱۶؛ فتحی^{۱۵}؛ ۱۹۸۶). اما آنچه که هم در مطالعات فرهنگی مرتبط با معماری به صورت عام و هم در بررسی الگوهای معماری بومی به صورت خاص چندان مورد بررسی قرار نگرفته است؛ نقش انتخاب‌های فرهنگی در شکل‌گیری و استمرار الگوهای معماری بومی است. به این معنی که انسان‌ها همواره در شرایط مختلف، گزینه‌هایی را به عنوان اجزای محیط زندگی خویش انتخاب می‌نمایند که با نظام‌های فرهنگی آنها سازگاری داشته و مرتفع کننده نیازهای مختلف آنها باشد. بر همین اساس پژوهش حاضر با لحاظ نمودن این موضوع، نقش انتخاب‌های فرهنگی در شکل‌گیری نظام فضایی خانه‌های بومی شهر اردبیل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳. مبانی نظری تحقیق

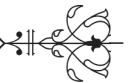
و الگوهای رفتاری در مسکن بومی اردبیل دخیل بوده‌اند؟
۳. فرهنگ چگونه در انتخاب‌های منجر به شکل‌گیری الگوهای کالبدی- فضایی و رفتاری مسکن بومی اردبیل تأثیر داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون مطالعات بسیاری در رابطه با جنبه‌های مختلف خانه و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. این تحقیقات را می‌توان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد: (۱) تحقیقاتی که بر روی الگوهای فضایی و ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی خانه متمرکز هستند (ایشیکاوا^{۱۶} و سیلورستاین^{۱۷}؛ ۱۹۷۷؛ هیلیر^{۱۸} و هانسون^{۱۹}؛ ۱۹۹۸؛ الکساندر^{۲۰} و هانسون^{۲۱}؛ ۱۹۸۴)؛ (۲) تحقیقاتی که به ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری - که روش استفاده از فضاهای خانه را تعیین می‌کنند- پرداخته‌اند (هال، ۱۳۸۴؛ مارکوس، ۱۳۸۲؛ پوردهیمی، ۱۳۹۰؛ فردانش و دیگران، ۱۳۹۳؛ آلتمن^{۲۲}؛ ۱۹۷۵؛ لارنس^{۲۳}؛ ۱۹۸۷). در تحقیقات گروه دوم جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی خانه موضوعی بسیار مهم و مؤثر در شکل‌دهی به رفتارها، شیوه زندگی و ساختار خانه به شمار می‌رود. در همین ارتباط هیوارد خانه را ساختاری وسیع و یک واحد فرهنگی- اجتماعی معرفی کرده است که واجد مفاهیمی چون قلمرو، خویشتن، هویت، پایداری، محرمیت و امنیت است (هیوارد^{۲۴}؛ ۱۹۷۷).

به علت وسعت و انتزاع موضوع فرهنگ، برخی پژوهشگران مؤلفه‌های ملموس فرهنگی چون «شیوه معیشت» را به عنوان تجسم فرهنگ در نظر گرفته‌اند و رابطه آن با محیط مسکونی را مورد مطالعه قرار داده‌اند (افشاری و دیگران ۱۳۹۴؛ افشاری و پوردهیمی ۱۳۹۵؛ یزدانفر و ضرابی‌الحسینی ۱۳۹۴؛ حایری ۱۳۸۸). لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بر این اعتقاد است که به منظور درک معانی نهفته در طراحی خانه، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی را که از طریق قانون‌مندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (لارنس ۱۹۹۵). برخی صاحب‌نظران نیز به منظور بررسی نسبت فرهنگ و محیط مصنوع، برای مؤلفه‌های فرهنگ سطوحی از ابعاد ذهنی و ناخودآگاه تا مؤلفه‌های ملموس و عینی را پیشنهاد





۱-۳. معماری بومی

پس از دهه ۶۰ میلادی، علاقه به مطالعه و بازیابی معماری بومی با دو انگیزه پیگیری و دنبال شد؛ انگیزه اول در پی نارضایتی‌های حاصل از معماری مدرن زمانه و ابراز واکنش نسبت به گم‌نامی معماری‌های خودی و همچنین کیفیات غیرانسانی مدرنیته و خانه‌سازی‌های انبوه آن به وجود آمد؛ و انگیزه دوم نیز در پی مطالعه ویژگی‌های معماری بومی و یقین به این مساله که پیگیری و بازیابی دوباره آن اصول می‌تواند برای حل مشکلات زمانه کارگشا باشد، شکل گرفت (صادقی‌پی ۱۳۹۱، ۱۵). معماری بومی برخاسته از خواست‌ها و نیازهای روزمره مردم عادی است که به دور از هرگونه سبک‌گرایی، مدرگرایی و یا حتی شرایط سیاسی و حکومتی شکل می‌گیرد. معماری بومی برهم‌کنش استادانه‌ای است که در بستر محلی شامل فرهنگ و سنت و با احترام به عوامل اقلیمی-محیطی، مصالح بومی و توپوگرافی مکان شکل گرفته است (ال‌تاوایها^{۱۶} و دیگران ۲۰۱۹). با درنظر گرفتن ارتباط بلافصل انسان و محیط در این نوع معماری، به منظور فهم ابعاد مختلف آن، شناخت بستر به وجودآورنده آن، کنش‌های روزمره و نیازهای مادی و غیر مادی افراد استفاده کننده از آن، امری الزامی است. ازاین رو می‌توان اذعان داشت رفتارهای روزانه که بر مبنای کنش‌های متقابل انسان و محیط شکل می‌گیرند، به همراه هنجارهای اجتماعی- فرهنگی، مهمترین عوامل شکل دهنده معماری مسکونی بومی به شمار می‌روند (خاکپور و دیگران ۱۳۹۴، ۳). امروزه عدم توجه به شیوه زندگی باعث از بین رفتن الگوهای بومی در طراحی خانه‌ها شده است که این مقوله در بروز بحران هویت و کیفیت مسکن مؤثر بوده است (مداحی و دیگران ۱۳۹۶). ویژگی‌های شیوه زندگی بومی و سیستم‌های فعالیت ناشی از آن به ویژگی‌های خاص استقرارها و محیط‌ها انجامیده و دلایل تنوع آنها و در نتیجه ارتباط بین شیوه زندگی و محیط ساخته شده مصنوع را شرح می‌دهند (مداحی و معماریان ۱۳۹۷).

بافت‌ها و ساختمان‌های بومی کمتر نتیجه امیال شخصی هستند و بیشتر نشان‌دهنده اهداف و امیال گروه‌های

اجتماعی می‌باشند. بنابراین آنها دارای ارزش‌های نمادینی هستند که توسط فرهنگ اجتماعی به وجود می‌آیند (پوردهیمی ۱۳۹۰). عوامل مشترک اجتماعی شامل تمام جنبه‌های محیطی و فرهنگی- اجتماعی هستند که بر ساختار مسکن و محیط‌های مسکونی تاثیرگذار می‌باشند (پوردهیمی ۱۳۹۰، ۱۴). این وجوه مشترک منجر به شکل‌گیری الگوهای پذیرفته‌شده‌ای در جامعه می‌شوند که در طی نسل‌ها و به‌صورت سنتی تداوم می‌یابند. لذا به تعبیری می‌توان چنین اذعان داشت که طراحی بومی شامل انتخاب یک الگو از میان مشترکات موجود و تنظیم و تغییر آن بر اساس نیازهای فردی و جمعی افراد است (راپوپورت ۱۳۸۸، ۱۷). تداوم سنت عامیانه که در قالب رفتارهای روزانه و مبتنی بر کنش‌های متقابل انسان و محیط و انسان و انسان(ها) شکل گرفته است؛ موجبات تداوم مسکن با ویژگی‌های بومی می‌گردد (ولی‌بیگ و رستگارزاده ۱۳۹۷، ۱۹). از سوی دیگر، تناسب الگوها با خواست‌ها و نیازهای مادی و غیرمادی افراد جامعه موجب ماندگاری و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر می‌شده است.

۲-۳. فرهنگ

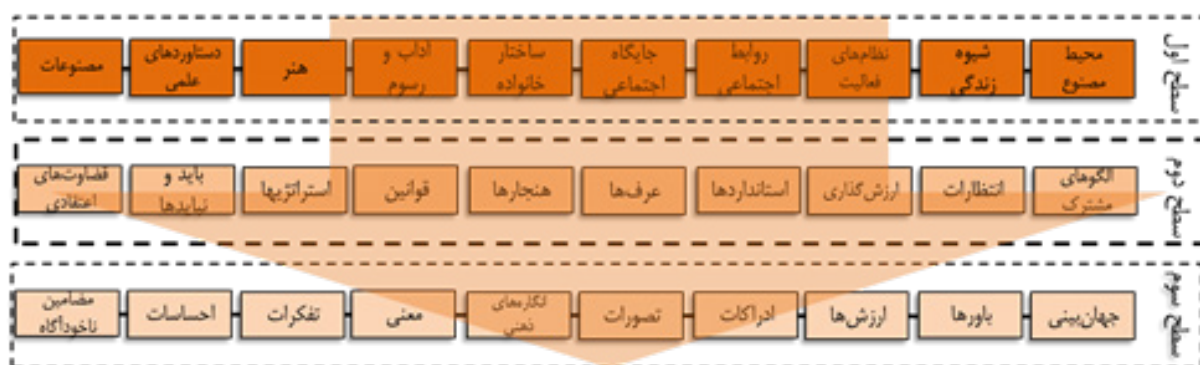
با وجود درهم‌تنیدگی زندگی انسان با فرهنگ، تعریف کامل و دقیقی از این واژه وجود ندارد. به زعم راپوپورت، فرهنگ یک چیز (thing) نیست؛ بلکه یک مفهوم، یک ایده یا یک ساختار است؛ یک برچسب (label) برای چیزهای بسیاری که مردم فکر می‌کنند، اعتقاد دارند و انجام می‌دهند (راپوپورت ۲۰۰۳، ۱۳۱). تنوع بسیار صورت‌های کالبدی به‌وضوح نشان می‌دهد که سایت، اقلیم و مصالح یا هرعامل فیزیکی دیگر، شیوه زندگی و سکونت را تعیین نمی‌کنند بلکه تنها به‌عنوان عوامل تغییردهنده عمل می‌کنند. آنها تصمیمات خاص را تسهیل یا تحقق آنها را ممکن و یا غیر ممکن می‌سازند اما هیچ‌گاه صورت بنا را تعیین و مشخص نمی‌کنند (راپوپورت ۱۹۶۹، ۲۲). مفاهیم فرهنگی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در طراحی بومی به‌شمار می‌روند؛ چه‌بسا که بسیاری از فضاها برای تأمین خواست‌ها و اهداف فرهنگی طراحی می‌گردند (عبدالعظیم^{۱۷} و عثمان^{۱۸} ۲۰۱۸). آلتمن نقش فرهنگ در ارتباط انسان



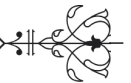


براساس توضیحات فوق، خانه یکی از مظاهر فرهنگ و مجموعه‌ای از تجلیات فرهنگی است (سطح اول فرهنگ)، که از یک سو متناسب با بایدها و نبایدها، الزامات، هنجارها، و مجموعه اخلاقیات مورد تایید فرد و جامعه شکل می‌گیرد (سطح دوم فرهنگ) و از سویی، ریشه در ارزش‌ها، معانی، نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های سازندگان و ساکنین آن دارد (سطح سوم فرهنگ). مطالعات در حوزه ارتباط فرهنگ و شکل خانه نیز عموماً در سه حوزه قابل دسته‌بندی است که شامل روش زندگی، نحوه همسازی انسان با محیط، و جنبه‌های ذهنی انسان می‌باشد (پوردیهیمی ۱۳۹۰، ۵). در همه این موارد، هدف از ساخت خانه، ایجاد محیطی سازگار با روش زندگی ساکنین آن معرفی شده است. روش زندگی تنها وجه عینی و مشخص فرهنگ است که از خلال آن می‌توان به تمایزهای فردی و گروهی و متقابلاً مسئله هویت افراد و گروه‌ها دست یافت. همچنین روش زندگی محصول نهایی فرهنگ از طریق رفتارهای عمدتاً آشکار است که محیط ساخته شده را شکل می‌دهد. در این حالت، روش زندگی سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین سطوح آن پیوند می‌زند و شاخصه‌های شأن و منزلت اجتماعی را از طریق وضعیت اقتصادی، تحصیلی، مذهبی خانواده یا گروه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارد (افشاری و پوردیهیمی ۱۳۹۵، ۴). بنابراین با مطالعه روش زندگی افراد و گروه‌های مختلف می‌توان به ویژگی‌های فرهنگی و در نتیجه الگوهای ساخت مسکن آنها پی برد.

و محیط را با تمایز چهار ویژگی فرهنگ تعریف می‌کند: اول، فرهنگ برپایه مجموعه‌ای از اعتقادات و ادراکات، ارزش‌ها و هنجارها، رفتارهای اجتماعی یا گروهی؛ دوم، فرهنگ شامل الگوهای مشترک دانش، احساسات یا رفتار یک فرد یا گروه؛ سوم، فرهنگ شامل انتقال این باورها، ارزش‌ها و شیوه رفتار از نسلی به نسل دیگر؛ و چهارم، تجلی فرهنگ در محیط کالبدی. لذا خانه‌ها، سکونتگاه‌ها و تمام محیط انسان‌ساخت متأثر از فرهنگ هستند و ارزش‌های فرهنگی را منعکس می‌نمایند (آلتمن و چمرز ۱۹۸۴). این نیز برای مفهوم فرهنگ سطوحی قائل شده است (که شامل ۱) مفروضات اساسی که متشکل از ارزش‌ها، ادراکات، تفکرات، احساسات و مضامین ناخودآگاه است؛ ۲) اخلاقیات که شامل اهداف، فلسفه، استراتژی‌ها، باید و نبایدها، و قضاوت‌های اعتقادی است و در نهایت ۳) محصولات که شامل پدیده‌های محسوس و ملموس مانند هنر، زبان، رفتار، محیط مصنوع و... است (شین ۲۰۱۰، ۲۵-۳۸). بر این اساس چنین برداشت می‌شود که اکثر نظریه‌پردازان حوزه فرهنگ، سه سطح را برای فرهنگ قائل شده‌اند که ارتباط سلسله‌مراتبی با هم دارند به این صورت که سطح اول شامل عینیات و تجلیات فرهنگ مانند محیط مصنوع، شیوه زندگی، فعالیت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، جایگاه اجتماعی، ساختار خانواده، آداب و رسوم، هنر، دستوردهی علمی، مصنوعات و... است؛ سطح دوم شامل قوانین، هنجارها، عرف‌ها، استانداردها، ارزش‌گذاری، انتظارات، الگوهای مشترک و... است؛ سطح سوم شامل نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها، ادراکات، تصورات، معنی، تفکرات، احساسات، مضامین ناخودآگاه و... است (تصویر ۱).



تصویر ۱. سطوح فرهنگ در سلسله‌مراتبی از مظاهر عینی تا مفاهیم ذهنی (مأخذ: نگارندگان)



۳-۳. انتخاب‌های فرهنگی

راپوپورت به‌منظور قابل مطالعه ساختن مفهوم وسیع و انتزاعی فرهنگ آن را به اجزایی تفکیک کرده است که در سه سطح قابل دسته‌بندی هستند. سطح اول پدیده‌های محسوس و عینی هستند که شامل کلیه مصنوعات، هنر، نظام‌های فعالیت، روابط اجتماعی، محیط کالبدی و مواردی از این دست است. سطح دوم یا به عبارتی سطح میانی، شامل انتظارات، استانداردها، هنجارها و قوانین است و در نهایت سطح سوم یا متعالی شامل جهان‌بینی، ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، تصورات، انگاره‌های ذهنی و معانی است (راپوپورت ۲۰۰۳، ۱۶۹). سطح میانی به‌عنوان واسطه و سطح انتقالی عمل می‌کند؛ و رابط میان مفروضات اساسی، ذهنی، و ناخودآگاه و پدیده‌های محسوس و عینی است. این سطح توأمان وجه مادی و غیرمادی دارد؛ به این معنی که با درنظر داشتن مفاهیم عالی، چندوچون مظاهر عینی فرهنگ را نیز تعریف می‌نماید و در واقع محل وقوع تصمیمات، انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌ها به‌شمار می‌رود.

توجه به عامل انتخاب در مطالعه فرهنگ‌ها مهم و قابل توجه است. زیرا راه‌حل‌ها و شیوه‌های برخورد مردم در برابر مسائل و نیازهای خاص را تبیین می‌سازد؛ روش‌هایی که در هر فرهنگ به‌گونه‌ای متفاوت وجود دارد. در تعریف راپوپورت از محیط به‌مثابه منظر فرهنگی، محیط نتیجهٔ بیشمار تصمیم ظاهراً منفرد است که در طی نسل‌ها یک کل قابل تشخیص می‌سازد. چراکه این تصمیمات برپایهٔ طرحواره‌های ذهنی، ایده‌آل‌ها و ذهنیت‌های مشترکی صورت گرفته‌اند که در راستای زندگی ایده‌آل مردم ایده‌آل در محیط ایده‌آل جهت‌گیری شده است (راپوپورت ۲۰۰۳، ۵۴). همهٔ محیط‌ها نتیجهٔ انتخاب راه‌حل‌هایی از بین تمامی گزینه‌های ممکن هستند. انتخاب‌های خاصی که جامعه «روا» و عرف می‌شمارد مظهر فرهنگ آن جامعه است. در حقیقت یکی از راه‌های بررسی فرهنگ، نظر کردن به عام‌ترین انتخاب‌های جامعه است (راپوپورت ۱۳۸۲، ۶۸). ازین‌رو می‌توان گفت ایجاد محیط انسان‌ساخت خود حاصل انتخاب در طی دورهٔ زمانی طولانی است؛ انتخاب‌هایی که به‌منظور ایجاد سازگاری بین محیط و انسان صورت

می‌گیرد. لذا همهٔ محیط‌های مصنوع و همچنین تمام ساخته‌های دست بشر «طراحی» شده‌اند؛ به این معنی که محل تجلی انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و روش‌های ویژهٔ اعضای آن فرهنگ برای انجام کارها هستند.

۳-۴. چارچوب نظری تحقیق

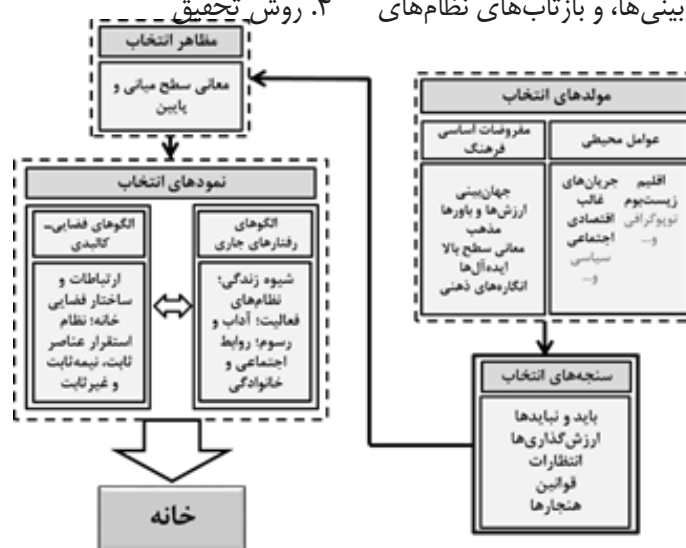
با عنایت به بحث‌های مطروحه در مبانی نظری تحقیق چنین برداشت می‌شود که سطح میانی فرهنگ، عامل انتقال مفاهیم عالی فرهنگی به اجزای عینی رفتاری و کالبدی موجود در فضا است. این فرایند از طریق مفهوم «انتخاب» صورت می‌پذیرد؛ به این معنی که انسان‌ها به‌منظور برآورده ساختن خواست‌ها و نیازهای مادی و غیرمادی خود، از میان گزینه‌های موجود مواردی را برمی‌گزینند که با مفاهیم ذهنی و ایده‌آل‌های آنها سازگار باشد. این ایده‌آل‌ها از طریق مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها و بایدها، نبایدها و... تجسم کالبدی می‌یابند. بنابراین افراد در سازماندهی فضای زندگی خود و یا چگونگی انجام رفتارهای مختلف در آنها، تابع هنجارها و قوانینی هستند که خود برگرفته از مفروضات ذهنی آنها می‌باشند. عواملی چون جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها، باورهای فرد از یک‌سو و شرایط زیست محیطی، عوامل اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه و مواردی از این قبیل نیز از سویی دیگر، مجموعه مضامینی هستند که بر مفروضات ذهنی افراد تأثیرگذار می‌باشند و هرآنچه افراد در زندگی‌شان انجام می‌دهند؛ به نوعی مطابق با این مضامین و در سازگاری با آنها قرار دارد. این مضامین بر نوع انتخاب افراد در موارد گوناگون نیز تأثیرگذار هستند و به انتخاب‌های انسان در ارتباط با موارد مختلف جهت می‌دهند. بر همین اساس در این پژوهش از این مضامین تحت عنوان «مولدهای انتخاب» یاد می‌شود. مولدهای انتخاب در دو دسته قابل تقسیم هستند که شامل (۱) عوامل بیرونی (اقلیم، زیست‌بوم، شرایط اقتصادی و اجتماعی و...)؛ و (۲) عوامل درونی (سطح سوم یا مفروضات اساسی فرهنگ چون جهان‌بینی، ارزش‌ها و باورها، مضامین ناخودآگاه و...) می‌باشد. عوامل درونی و بیرونی اموری ثابت، ریشه‌دار، و خارج از کنترل و اختیار انسان هستند و یا به‌کندی در گذر زمان تغییر می‌کنند.



فلسفی هستند. معانی سطح میانی به مفاهیمی چون هویت، قدرت، موقعیت، ثروت و... مربوط می‌شوند؛ و در نهایت معانی متداول و روزمره سطح پایین که به ما می‌گویند کجا راه برویم، کجا بنشینیم و مانند آن (راپاپورت ۱۹۹۲، ۹۹). معانی سطح بالا در ذیل مفروضات اساسی فرهنگ جای دارند و جزء مولدهای انتخاب محسوب می‌شوند. معانی سطح میانی و پایین نیز در ذیل «مظاهر انتخاب» قرار دارند و الگوهای رفتاری و فضایی-کالبدی افراد را هدایت می‌کنند. البته ناگفته نماند که سطوح معنی دارای ارتباط درونی با یکدیگر بوده و معانی سطوح بالا به معانی سطوح پایین جهت می‌دهند.

در نهایت معانی در قالب مجموعه‌ای از الگوها بروز و ظهور می‌یابد. این الگوها به دو صورت کلی شامل الگوهای جاری رفتار (شیوه زندگی، نظام‌های فعالیت، آداب و رسوم، روابط اجتماعی و خانوادگی) و الگوهای فضایی-کالبدی (ارتباطات، ساختار فضایی خانه و نظام استقرار عناصر ثابت، نیمه‌ثابت و غیرثابت) نمود می‌یابند. در واقع، این الگوها «نمودهای انتخاب» هستند و طبق یافته‌های علوم محیطی- رفتاری (EBS)، این دو گونه الگو (الگوهای فضایی و الگوهای رفتاری) در ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند (لنگ ۱۳۸۱؛ جوان فروزنده و مطلبی ۱۳۹۰). برهم کنش این الگوها در محیط مصنوع چون خانه به منصفه ظهور می‌رسد (تصویر ۲).

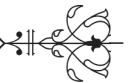
۴. روش تحقیق



تصویر ۲. نمودار تفصیلی چارچوب نظری تحقیق و فرآیند منتج از آن (ترسیم: نگارندگان)

پاسخ‌گویی به شرایط مادی و انطباق با شرایط غیرمادی، از جمله اهداف انسان در امور مختلف مرتبط با زندگی‌اش می‌باشد. این امر مستلزم جهت‌دهی به این امور در راستای بایدها و نبایدها، هنجارها، قوانین و عرف مورد تأیید وی و جامعه می‌باشد. این موارد که سطح دوم فرهنگ می‌باشند؛ از یک سو ریشه در نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های حاکم بر جامعه دارند و از سوی دیگر نیز مورد تأیید فرد می‌باشند. بر همین اساس انتخاب‌هایی که افراد در ارتباط با امور مختلف انجام می‌دهند؛ به نوعی متناسب با این معیارها و قوانین می‌باشد و به تبع با تغییر در این قوانین و هنجارها در جوامع مختلف، نمود انتخاب‌های افراد نیز متفاوت خواهد بود. لذا در این پژوهش از این عوامل تحت عنوان «سنجه‌های انتخاب» یاد می‌شود.

مولدهای انتخاب‌های افراد پس از عبور از سنجه‌های انتخاب در قالب «معانی» تجلی می‌یابد که از یکسو ریشه در سطوح عالی و مبانی فرهنگ (ایدئولوژی‌ها، جهان‌بینی‌ها، بایدها و نبایدها، قوانین و هنجارها) دارند؛ و از سوی دیگر عامل محرک و شکل‌دهنده محیط کالبدی و رفتاری زندگی افراد می‌باشد. این معانی که خود شامل طیف‌های مختلفی می‌باشند، در این پژوهش تحت عنوان «مظاهر انتخاب» از آنها یاد می‌شود. معنی دارای درجات مختلفی است. راپاپورت برای معنی سه سطح متفاوت قائل است: معانی سطح بالا مضامینی نظیر کیهان‌شناسی‌ها، انگاره‌های فرهنگی، جهان‌بینی‌ها، و بازتاب‌های نظام‌های



نوشادی ۱۳۹۰). بنابراین، تم‌ها یا کدهای مصاحبه‌ها نیز کلیدواژه‌های چارچوب نظری بوده‌اند. مراحل انجام تحقیق متناسب با چهار وجه انتخاب در چهار گام انجام پذیرفته است و در هر گام، یکی از وجوه مرتبط با انتخاب در بستر مورد نظر، مورد تحلیل قرار گرفته است. در گام اول «مولدهای انتخاب» (مفروضات اساسی فرهنگ و عوامل محیطی) مربوط به موضوع تحقیق، با استناد به داده‌های حاصل از مصاحبه و مطالعات اسنادی، بررسی می‌شود؛ در گام دوم «سنجه‌های انتخاب» یا الزامات مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ در گام سوم «مظاهر انتخاب» تبیین می‌شود؛ و در گام چهارم نموده‌های انتخاب (الگوهای فضایی- کالبدی و الگوهای رفتارهای جاری)، در قالب جدول ۲، تحلیل و بررسی می‌شود. سپس نتایج به‌دست آمده با رجوع به مولدهای انتخاب مرتب‌سازی و مورد بحث قرار گرفته‌اند. در نهایت با ارائه یک مدل انطباق، نحوه تعامل چهار گام مذکور به‌صورت ترسیم مسیرهای شکل‌گیری الگوهای خانه تبیین شده است (تصویر ۱۴).

۵. معرفی نمونه‌های موردی

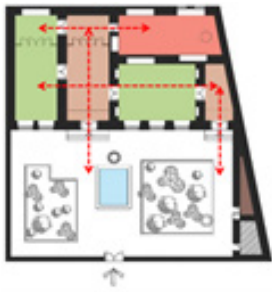
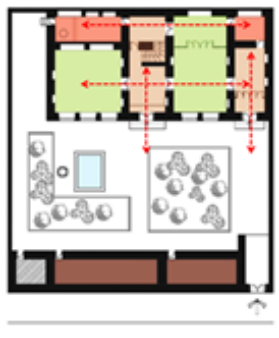
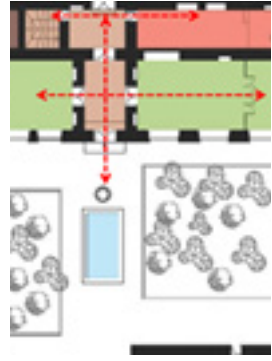
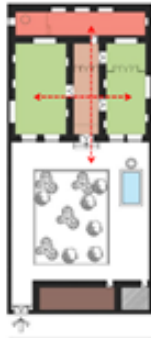
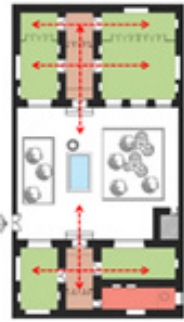
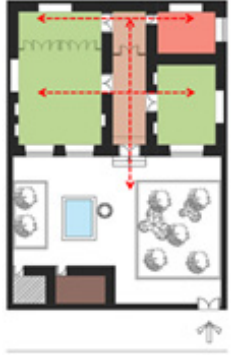
اردبیل در گذشته دارای شش محله اصلی و هر محله دارای تعدادی محلات فرعی (خولا) بود. خانه‌ها در بافت تاریخی شهر اردبیل قرار دارند. به‌علت عدم دوام مصالح و تخریب بسیاری از خانه‌ها، تعداد اندکی از خانه‌های طبقه متوسط اردبیل باقی مانده است. در این تحقیق سعی شد خانه‌هایی انتخاب شوند که کمترین تغییرات را داشته باشند و امکان بررسی میدانی آنها وجود داشته باشد. برای تحقیق حاضر، از میان خانه‌های تاریخی موجود، ده خانه از محلات مختلف برگزیده شد که پنج نمونه آنها مربوط به دوره اواخر قاجار و پنج نمونه دیگر مربوط به دوره پهلوی اول هستند. در جدول ۱ پلان خانه‌ها همراه با توضیحات کلی خاص هر خانه آورده شده است (جدول ۱). توجه به این نکته ضروری است که در ترسیم پلان خانه‌ها، سعی شده است صورت اصلی خانه حفظ شود؛ لذا الحاقات و تغییرات جدید در نقشه‌ها نشان داده نشده است.

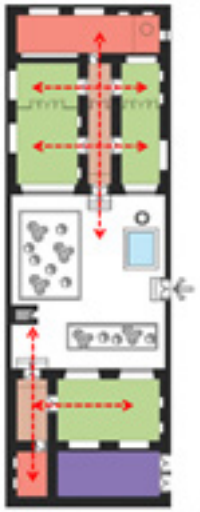
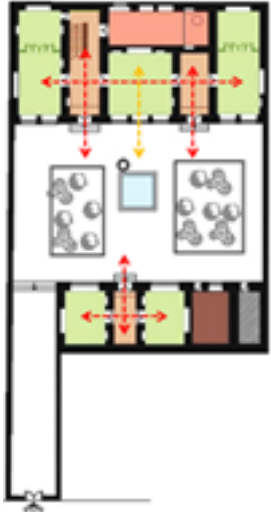
بر اساس آنچه در چارچوب نظری پژوهش عنوان شد؛ در فرایند شکل‌گیری یک محیط مصنوع (به طور خاص خانه)، عامل انتخاب در چهار وجه مولدهای انتخاب، سنجه‌های انتخاب، مظاهر انتخاب و نموده‌های انتخاب بروز می‌یابد. بر همین اساس در این پژوهش در یک بستر تاریخی و در میان چندین خانه، این موضوع و موارد مرتبط با هر کدام از وجوه انتخاب مورد بررسی قرار گرفت. به همین منظور تعداد ۱۰ خانه از دوره‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی (از میان خانه‌های طبقه متوسط شهری یا به عبارتی خانه‌های بومی) در شهر اردبیل به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. هم‌زمان با تحلیل ساختار کالبدی و ویژگی‌های فضایی خانه‌های مورد بررسی و نیز استخراج الگوهای جاری رفتار در این خانه‌ها (از طریق مصاحبه با ساکنین و بازماندگان آنها)، مطالعه بستر تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر و ساکنین آن در دوران تاریخی مورد نظر نیز انجام گرفت. پرسش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته براساس کلیدواژه‌های متغیرهای چارچوب نظری تحقیق (تصویر ۱)، مانند ارزش‌ها، ایده‌آل‌ها، باورها، شیوه زندگی، آداب و رسوم، نظام‌های فعالیت و... (مفروضات اساسی فرهنگ، معانی، و الگوی رفتارهای جاری) تنظیم شده بودند. اطلاعات مربوط به دیگر متغیرهای چارچوب نظری نیز از طریق روش‌های مطالعات اسنادی (عوامل محیطی) و بررسی‌های میدانی (الگوهای کالبدی-فضایی) استخراج گردیده است.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش کیفی؛ و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش استدلال منطقی و تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. تحلیل محتوای کیفی استقرایی است؛ یعنی مبتنی بر بررسی و استنتاج موضوع‌ها و تم‌ها، از داده‌های خام است (ایمان و





راهنما:	اتاق	دهلیز	مطبخ	انبار	تجاری و کارگاه	توالت
پلان	توضیحات	پلان	توضیحات	توضیحات	پلان	توضیحات
۱	قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: پاسبان و فرشباغ ساختمان خانواده: در بخش شمالی خانه خانواده پدری (پدر و مادر) و خانواده پسر زندگی می کردند. فضاها: خانه ترکیبی از فضاهای مسکونی و کارگاه های قالیبافی است.		۶	قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: کارمند بانک ساختمان خانواده: در ابتدا تک خانواری بود سپس از مدتی خانواده پسر نیز در آن ساکن شدند. فضاها: ترکیبی ساده از اتاق ها و راهروها		
۲	قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: تاجر خرد ساختمان خانواده: زندگی دو برادر همراه خانواده هایشان. فضاها: بر روی دهلیز بزرگتر و مطبخ بالاخانه ای ساخته شده است. یکی از انباری ها اصطبل بود.		۷	قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: تاجر خرد ساختمان خانواده: تک خانواری بوده است و مهمانی های بسیاری در آن برگزار می شد. فضاها: ترکیبی ساده از اتاق ها و راهروها با مطبخ بزرگ و دو انبار. بالاخانه ای روی دهلیز قرار دارد.		
۳	قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: تاجر ساختمان خانواده: زندگی جمعی سه برادر به همراه خانواده هایشان در خانه. فضاها: بخش جنوبی خانه بر حسب نیاز بعدا ساخته شده است.		۸	قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: خرده فروش ساختمان خانواده: زندگی جمعی سه برادر به همراه خانواده هایشان در خانه. فضاها: بخش جنوبی خانه بر حسب نیاز بعدا ساخته شده است.		
۴	قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: قالی باف ساختمان خانواده: اتاق شمال غربی اتاق مرد خانه و باقی اتاق ها هر کدام اتاق یکی از زنان بود. فضاها: ترکیبی ساده از اتاق ها و راهروها و بالاخانه ای روی راهرو ورودی		۹	قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: طبایخ ساختمان خانواده: زندگی جمعی خانواده پدر و خانواده یکی از پسران. فضاها: ترکیبی ساده از اتاق ها و راهروها.		

قدمت: پهلوی اول شغل مرد خانه: خرده فروش ساختار خانواده: در بخش شمالی خانواده پدری (پدر و مادر و مادر بزرگ) و در بخش جنوبی خانواده پسر زندگی می‌کردند. فضاها: بخش جنوبی بعداً از مغازه جدا شده و برای خانواده جدید ساخته شده است.		۱۰ قدمت: اواخر قاجار شغل مرد خانه: تاجر ساختار خانواده: در دوره‌های مختلف خانواده‌های مختلفی اعم از والدین و پسران زندگی می‌کردند. فضاها: فضاهای مسکونی جنوبی خانه بعدها ساخته شده است. بالاخانه بر روی دهلیز و مطبخ قرار داشت.	۵ 
---	---	--	--

رطوبت آن هوای این شهر را مطبوع و ملایم ساخته است. زمستان اردبیل سرد است و گرمای هوا در تابستان به‌ندرت از سی درجه تجاوز می‌نماید. سطح آب‌های زیرزمینی در این شهر بالا بوده و آب خانه‌ها با حفر چاه تأمین می‌شد. اردبیل از دیرباز یک منطقه کشاورزی بوده و این شیوه، الگوی غالب معیشت این مردم به شمار می‌رفته است (صفری ۱۳۷۱، ج ۳ و ۱).

در دوره‌های اواخر قاجار و اوایل پهلوی، مردم اردبیل از لحاظ اقتصادی و سیاسی همچون سایر نقاط کشور در وضعیت نه‌چندان مساعدی قرار داشتند. این موضوع بیش از هر چیز در سطح طبقه متوسط که اکثریت بافت جامعه را شامل می‌شد؛ نمود بیشتری داشت. با این حال «وجود یک جامعه همگن از لحاظ بافت اجتماعی، اقتصادی و سنتی» از جمله ویژگی‌های اجتماعی این شهر در دوران مورد نظر بود. از لحاظ مذهبی، مردم اردبیل «مسلمان و شیعه» بودند و «تداوم و احترام به سنت‌ها و عرف‌ها در طی نسل‌های متمادی»، «مناعت طبع»، و «قائل بودن به گذرایی عمر دنیوی و اهمیت زندگی اخروی» از جمله ویژگی‌های این مردمان به شمار می‌رفته است. وجود نگرش دینی و سنتی در میان این مردم باعث می‌شد که به همه امور با دیدی اعتقادی و مذهبی نگریسته شود. مجموعه این عوامل، ویژگی‌های پدیدارشناسانه‌ای از اردبیل و اردبیلیان در دوران اواخر قاجار و اوایل پهلوی هستند

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانگونه که در بخش روش تحقیق نیز عنوان شد؛ این بخش متشکل از چهار گام است که در هر گام، نحوه نمودپذیری یکی از وجوه انتخاب، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۶. گام اول: تحلیل مولدهای انتخاب

همانگونه که پیش‌تر نیز عنوان شد؛ مولدهای انتخاب در دو سطح عوامل محیطی و مفروضات اساسی فرهنگ قابل دسته‌بندی هستند. عوامل محیطی شامل زیرمجموعه‌هایی چون اقتصاد، جامعه، زیست‌بوم، اقلیم، می‌باشند و مفروضات اساسی فرهنگ نیز در مواردی چون مذهب، سن، ایدئال‌ها و انگاره‌های ذهنی نمود دارد. این موارد که عواملی زمینه‌ای یا بیرونی به شمار می‌روند؛ به‌صورت پیش‌فرض برای مردم اردبیل وجود داشته و تمام انتخاب‌های آنها را در ارتباط با امور مختلف زندگی از جمله خانه‌سازی، تحت تأثیر قرار می‌داده است. بر همین اساس در این تحقیق از این مفاهیم تحت عنوان «مولدهای انتخاب» یاد شده است.

اردبیل شهری با سابقه تاریخی در شمال غرب ایران است. این شهر در فلاتی دایره‌ای شکلی، در جنوب غربی دریای خزر و بین دو رشته کوه سیلان و طالش واقع شده است. هوای اردبیل سرد معتدل ولی سالم است. این امر معلول موقعیت جغرافیایی و بخصوص ارتفاع آن از سطح دریا و کوه‌های مرتفع اطراف آن است. از طرفی نزدیکی به دریا و





انتخاب» بروز و ظهور می‌یابند. مظاهر انتخاب اساساً معانی هستند که به تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌ها در راستای عینیت بخشیدن به نمودهای رفتاری و فضایی جهت می‌دهند. مبنای این معانی مولدهای انتخاب می‌باشند. در قرارگاه‌های رفتاری «بعد معنایی ویژه‌ای» وجود دارد که به فرهنگ کاربران وابسته است و نوع استفاده از آنها، مکان قرارگیری، نحوه همجواری و وسعت کل سیستم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (پوردیهیمی ۱۳۹۰، ۱۴). مرزهای فضایی و زمانی، ابزارهایی برای بیان معانی ذهنی انسان به شمار می‌روند (افشاری و دیگران ۱۳۹۴، ۸). از طرفی، به منظور درک معانی نهفته در خانه، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیتها و ارتباطات میان آنها در محیطهای مسکونی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد (لارنس ۱۹۹۵). همانطور که در چارچوب نظری تحقیق اشاره شد؛ براساس سطح‌بندی معنی از نظر راپوپورت به سطوح بالا، میانی، و پایین، مظاهر انتخاب شامل سطوح میانی و پایین است. معانی اجتماعی و معانی روزمره از این دست معانی محسوب می‌شوند. در این رابطه، به‌عنوان مثال می‌توان از «اهمیت مردم‌داری»، «حفظ جایگاه مناسب اجتماعی»، «لزوم استفاده حداکثری از نور خورشید»، «لزوم حفظ حریم خصوصی خانواده» و یا «لزوم برقراری روابط اجتماعی با دیگران» «حفظ شرایط بهینه زیست در سرما» و «ارزشمند بودن حفظ سنن و عرف‌های پذیرفته‌شده جامعه» نام برد. این معانی در الگوهای رفتارهای جاری و الگوهای فضایی - کالبدی خانه‌های بومی اردبیل، نمود عینی یافته‌اند.

۴-۶. گام چهارم: تحلیل نمودهای انتخاب

نمودهای انتخاب، عینی‌ترین سطح از انتخاب هستند که در دو بعد «فضا و کالبد» و «کنش‌ها و رفتارها» در سطح خانه نمود می‌یابد. برهمین اساس خانه‌های مورد نظر از منظر ویژگی‌های فضایی و رفتاری در سه سطح کلان، میانه و خرد مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است. داده‌های این بخش بر اساس مشاهدات میدانی نگارندگان و نیز مصاحبه‌هایی است که با ساکنین و صاحبان خانه‌ها انجام گرفته است.

که بر نوع نگاه آنها در ارتباط با امور مختلف به ویژه معماری و شهرسازی تأثیرگذار بوده و زمینه اتخاذ تصمیمات مختلف در این حوزه‌ها را فراهم می‌آورد.

۲-۶. گام دوم: تحلیل سنجه‌های انتخاب

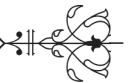
سنجه‌های انتخاب، مؤلفه‌های سطح دوم فرهنگ و متأثر از مولدهای انتخاب (عوامل محیطی و مفروضات اساسی فرهنگ) هستند که در قالب بایدها و نبایدها، ارزش‌گذاری‌ها، قوانین، انتظارات و هنجارها، دامنه و محدوده انتخاب‌ها را مشخص می‌کنند. سنجه‌های انتخاب گزاره‌هایی هستند که مانند فیلتری به مولدهای انتخاب جهت می‌دهند. به تبع هرچه شرایط محیطی سخت‌تر باشد و یا مفروضات و مفاهیم اساسی فرهنگی دارای انسجام و صلبیت بیشتری باشند؛ دامنه گزینه‌های پیش‌رو برای انتخاب نیز محدودتر خواهد شد.

براساس مطالعات زمینه‌ای، عموم مردم اردبیل در دوران اواخر قاجار و اوایل پهلوی از نظر ویژگی‌های محیطی و جو فرهنگی - اجتماعی غالب، در معرض گزینه‌های تقریباً از پیش تعیین‌شده و گریزناپذیری قرار داشتند. به این معنی که وجود تنگناهای اقتصادی و شرایط سخت اقلیمی، ساختار منسجم و ریشه‌دار موازین سنتی و مذهبی در سطح جامعه و نیز وجود باورهای عمیق نسبت به مسائل دینی در میان مردم که در طی نسل‌ها صورتی پذیرفته‌شده و درونی به خود گرفته بود، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، باید و نبایدها، و قوانین را متناسب با این شرایط به وجود آورده بود. این مقتضیات در قالب «الزاماتی» ظهور می‌یافت که مردم در ارتباط با امور مختلف زندگی‌شان، از این الزامات تبعیت می‌نمودند. الزامات مذکور در قالب معانی پذیرفته‌شده در اذهان مردم وجود داشت. از سویی با توجه به سنتی بودن جامعه و مشترک بودن شرایط برای عموم مردم، این مقتضیات وجهی تقریباً همگانی یافته و به قوانینی نانوشته بدل شده بودند. این معانی که در واقع مصادیق سنجه‌های انتخاب هستند، در تحقیق حاضر به «مظاهر انتخاب» تعبیر شده‌اند.

۳-۶. گام سوم: تحلیل مظاهر انتخاب

مقتضیات منبعث از سنجه‌های انتخاب در قالب «مظاهر





فضا و کالبد	از انتظام فضاهای خانه‌ها چنین برمی‌آید که ترکیب اتاق-دهلیز به گونه‌های مختلف در تمام خانه‌ها وجود دارد (تصویر ۳). گسترش این الگو به صورت طولی بوده و اندازه دانه‌های آن به مساحت زمین، فضاهای هم‌جوار، نیازهای خانواده و تمکن مالی صاحب‌خانه بستگی داشت. متداول‌ترین الگو ترکیبی متشکل از دو اتاق و یک دهلیز میانی بود که به الگوی «ایکی گوز بی دهلیز» معروف است.  تصویر ۳. ترکیبات مختلف الگوی اتاق-دهلیز در خانه‌های اردبیل (ترسیم: نگارنگان)	الگوی فضاها	
کنش‌ها و رفتارها	اتاق‌ها، فضاهای اصلی زندگی بودند و ورود به آنها بدون مقدمه و پیش‌ورودی ممکن نبود. هر اتاق با فضای پیش‌وروی یا دهلیز تعریف می‌شد. این امر موجب برتری جایگاه اتاق‌ها نسبت به دیگر فضاهای خانه و همچنین تفکیک فضاها به فضاهای اصلی و فرعی می‌شد.		
فضا و کالبد	جداره‌های نورگیر خانه عمدتاً رو به جبهه جنوب‌شرقی دارند تا روند جذب انرژی خورشید از طلوع افتاب شروع گردد و فضاهای خانه در اوقات بسیاری از روز در معرض نور خورشید باشند.		
کنش‌ها و رفتارها	تأمین گرمایش فضاهای زندگی از اولویتهای معیشت بوده است. با توجه به آب و هوای سرد اردبیل و اهمیت گرمایش خانه‌ها، کسب حداکثر انرژی تابشی خورشید به‌مثابه راه‌کار گرمایش ایستا، موجب جهت‌گیری کلی بنا به سمت جنوب شرقی بوده است.	جهت‌گیری	
فضا و کالبد	عواملی چون بافت فشرده شهری که اقتضای اقلیمی دارد و درونگرا بودن خانه‌ها که وجهی فرهنگی است، مانع از ایجاد پنجره در نمای شمالی خانه‌ها شده است. از این‌رو این وجه بنا بدون عملکرد نورگیری بوده و از طرفی چون عامل اتلاف حرارت ساختمان به شمار می‌رود، در این وجه معمولاً مطبخ یا انبار ساخته می‌شد تا حایلی بین فضاهای اصلی زندگی (اتاق‌ها و دهلیزها) و جدار شمالی باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت عمق این خانه‌ها حداکثر یک یا دو لایه است و از ایجاد فضا در عمق‌های بیشتر پرهیز شده است (تصویر ۴).  تصویر ۴. لایه‌بندی و جهت‌گیری خانه‌ها (ترسیم: نگارنگان)	لایه‌بندی فضاها	مقیاس کلان
کنش‌ها و رفتارها	به علت انجام فعالیت‌های آشپزی، نان‌پزی، انبار کردن مواد غذایی و هیزم، فضاهای این بخش درجه دوم محسوب می‌شدند. لایه‌بندی فضاها نشان از تفکیک فضاهای خانه به فضاهای خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده دارد. لذا فضاهای درجه دوم در نقش عایق و حایل عمل می‌کردند و فعالیت‌های خدماتی خانه را در خود جای می‌دادند. از طرفی گرمای حاصل از فعالیت‌های پخت‌وپز نیز به گرمایش فضاهای خانه کمک می‌کرد.		
فضا و کالبد	اکثر خانه‌ها از یک الگوی محوربندی عمودی و افقی تشکیل شده‌اند. محوره‌های عمودی عمدتاً مسیرهای ورودی خانه (از کوچه به حیاط و از حیاط به داخل خانه) و محوره‌های افقی مسیرهای حرکتی داخل خانه (میان اتاق‌ها و دهلیزها) بوده است (جدول ۱).	محوربندی فضاها	
کنش‌ها و رفتارها	سادگی محورها به معنی سادگی ارتباطات میان فضاها و به تبع عدم پیچیدگی در رفتارهای درون خانه است. به عبارت دیگر ارتباطات میان فضاهای مختلف و استفاده‌کنندگان از فضاها، خوانا و تعریف‌شده و به‌دور از پیچیدگی‌ها و تکلف رایج در خانه‌های اعیان بوده است.		





مقایسه مبانی	ورودی	ورود به خانه‌ها در اواخر قاجار، مستلزم عبور از یک دالان بود که چون فضای پیش‌ورودی عمل می‌کرد. اما ورود به خانه‌های متأخرتر بلاواسطه و مستقیم انجام می‌شد. از آنجا که خانه‌های بومی اردبیل که مربوط به مردمان عادی طبقه متوسط بودند؛ دارای بخش‌ها یا مجموعه فضاهای اندرونی و بیرونی نبودند؛ عملکرد ورودی‌ها نه فضای تقسیم، بلکه حائلی میان فضای بیرون و درون خانه بود که در خانه‌های قدیمی‌تر با دالان و در خانه‌های جدیدتر با پله و اختلاف سطح انجام می‌شد.	فضا و کالبد
		شاید بتوان کم‌رنگ‌تر شدن اهمیت مؤلفه‌هایی چون حریمیت در دوره پهلوی را در موضوع ورود بی‌واسطه به حیاط یا حتی به داخل خانه (به طور مثال خانه شماره ۷)، دخیل دانست. ورودی خانه‌ها در این دوره انتظام خاصی نداشته و در هر نقطه‌ای امکان ایجاد آن وجود داشت.	کنش‌ها و رفتارها
	حیاط	حیاط در خانه‌های بومی اردبیل بزرگترین فضا و دربرگیرنده مقرهای رفتاری مختلف بود و فضاهایی چون ورودی، باغچه‌ها، حوض و چاه آب، لانه نگهداری طیور، انبار، اصطبل، توالت، و سایر فضاها را انتظام می‌بخشید. این فضاها ملایم با بخش زیادی از رفتارهای سکونت‌ی بودند؛ به‌طوری که یکی از ملاک‌های خانه خوب در نظر اردبیلیان قدیم، بزرگ و دل‌باز بودن حیاط آن بود (تصاویر ۵ و ۶). 	فضا و کالبد
		در خانه‌های بومی اردبیل چون اغلب خانه‌های تاریخی، حیاط به‌عنوان مأمن طبیعت و جزء ناگسستنی آن به شمار می‌رفت و کارکردهای گوناگونی نیز داشته است. عملکردهای متنوع و گوناگون فردی، اجتماعی و اقتصادی و اجتماعی در این فضا صورت می‌گرفته است (بیتی، ۱۳۸۹، ۵۹). سه نقش فرهنگی - اجتماعی، اقلیمی و کالبدی از مهم‌ترین نقش‌های حیاط در خانه سنتی است که موجب شکل‌گیری دو نوع انسجام شکلی و محتوایی می‌شده است؛ انسجام شکلی در کالبد معماری و انسجام محتوایی در نظام معنایی مسکن بروز پیدا می‌نمود (مهدوی نژاد و دیگران ۱۳۹۳، ۴۴). راپوپورت برای توصیف ماهیت خانه حیاط‌دار پنج ملاک را برمی‌شمرد: ۱) سازوکار حریمیت در برابر ورود ناگهانی؛ ۲) تأمین قرارگاه رفتاری مهم در سیستم قرارگاه رفتاری بزرگتر خانه؛ ۳) تأمین دسترسی به دیگر فضاهای خانه؛ ۴) کارایی اقلیمی؛ ۵) کاهش ارتباط معنایی کالبد خانه با خارج (راپوپورت ۲۰۰۷). ویژگی‌های مذکور در خانه‌های بومی اردبیل نیز وجود داشته است. بسیاری از فعالیت‌ها مانند شستن ظروف، فرش، پشم و... آماده‌سازی آذوقه زمستان، انجام تدارکات برگزاری مراسم مختلف عزاداری و جشن‌ها، جمع‌های خانوادگی در مواقع گرم سال و... در حیاط انجام می‌شد.	کنش‌ها و رفتارها
	اتاق‌ها	اتاق‌ها در خانه‌های بومی اردبیل از لحاظ اندازه، نورگیری، تزئینات و... متفاوت بودند. به‌تبع نام‌گذاری اتاق‌ها نیز متفاوت بود؛ طنبی یا اتاق مهمان بزرگترین و بهترین اتاق خانه و اتاق‌های دم‌دستی (آل اتاقی) اتاق‌های عادی بودند (تصویر ۷). در برخی خانه‌ها، بالاخانه‌ای به اندازه یک یا دو اتاق کوچک روی فضاهایی مانند دهلیز یا مطبخ، که دهانه سقفشان کم بود؛ ساخته می‌شد. این اتاق‌ها به عنوان بخش‌های خصوصی‌تر خانه بودند. اتاق‌ها اغلب توسط جداگرهای چوبی به دو قسمت تقسیم می‌شد (تصویر ۸). هنگامی که جداگر بسته می‌شد؛ بخش کوچکتر - که مانند پستو بود - فضایی خلوت را ایجاد می‌کرد. وجود جداگرها موجب انعطاف‌پذیری فضای اتاق‌ها می‌شدند؛ به‌نحوی که در مواقع ضروری، یک اتاق به دو اتاق تبدیل می‌شد و اینگونه از امکانات فضا حداکثر استفاده انجام می‌گرفت. جداگرها اغلب در اتاق‌های دم‌دستی وجود داشتند. 	فضا و کالبد

تصویر ۸. دیوار جداگر اتاقی خانه شماره ۳ (عکس از نگارندگان)

تصویر ۷. اتاق مهمان (طنبی) خانه شماره ۵

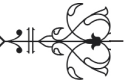


کنش ها و رفتارها	اتاق ها فضاهای اصلی زندگی و محل عبادت، خلوت، غذا خوردن، خوابیدن، پذیرایی از مهمان و... بودند. تخصیص اتاق ها برحسب سلسله مراتب افراد و خانواده های ساکن و نیازهایشان بود. به عنوان مثال، برای خانواده جدید اتاقی کوچک تر یا پستو و یا اتاق هایی در بخش جنوبی حیاط، اختصاص داده می شد و اتاق بزرگ خانواده همواره بهترین اتاق خانه بود. البته در هنگام روز و مواقع برگزاری مراسم و مهمانی ها، اغلب اتاق ها استفاده عمومی داشتند و تنها شب هنگام این فضاها جنبه اختصاصی می یافت. در طول روز به علت زندگی مشارکتی اعضای خانواده، از تمام فضاهای خانه بصورت اشتراکی استفاده می شد. کف اتاق ها با انواع فرش ها و قالیچه ها مفروش بود.	
فضا و کالبد	دهلیزها به عنوان فضاهای مفصلی در خانه ها می شدند و به طور همزمان، با ایفای نقش مجزاکننده و متصل کننده فضاها به یکدیگر، مجموعه ای از فضاهای نیمه عمومی تا کاملاً خصوصی را درون سازمان فضایی خانه انتظام می بخشیدند و از تداخل فعالیت ها با یکدیگر جلوگیری می کردند. ارتباط میان فضاهای بسته و باز خانه را تأمین کرده و به عنوان پیش ورودی برای اتاق ها عمل می کردند. دسترسی به اتاق ها و مطبخ از طریق دهلیز ممکن بود (تصویر ۹).  تصویر ۹. دهلیز خانه شماره ۴	دهلیز
کنش ها و رفتارها	دهلیز صرفاً مسیر نبوده و گاه چون اتاقی فرعی عمل می کرد. حتی فعالیت هایی که در اتاق انجام می شد در مواقعی در دهلیز انجام می گرفت. برخی خانه ها دو دهلیز داشتند که که این امر ورودی هایی مجزا برای خانه تأمین می کرد و در هنگام برگزاری مراسم و مهمانی ها، معمولاً ورودی دهلیز بزرگتر به مردان و دیگری به زنان اختصاص می یافت. در هنگام برگزاری برخی مراسم مانند روضه خوانی و... درهای میانی دهلیزها و اتاق ها باز می شد تا فضایی بزرگتر و پیوسته ایجاد شود.	
فضا و کالبد	در خانه های قدیمی اردبیل به علت سردی هوا مطبخ در داخل خانه ساخته می شد. این فضا اغلب به صورت طولی در پشت اتاق ها، در بخش شمالی بنا که نورگیری نداشت، ایجاد می شد و مانند یک لایه حفاظتی و عایق حرارتی عمل می کرد. در داخل مطبخ محل های برای اجاق های هیزمی، یک تنور که روی سکو قرار داشت؛ قفسه ها و تخته بند برای گذاشتن ملزومات آشپزی، محلی برای انبار هیزم و دیگر چیزها و پنجره کوچکی در بالای تنور جهت تهویه وجود داشت. کفسازی مطبخ معمولاً از جنس آجر یا گچ و خاک بوده است (تصویر ۱۰).	مطبخ
کنش ها و رفتارها	مطبخ فضای خدماتی خانه و محل انجام فعالیت های مربوط به طبخ انواع غذاها، مرباها، و...، طبخ هفتگی یا ماهانه نان، انبار مواد غذایی، ظروف، هیزم و... بود. ارتباط این فضا از طریق دهلیز انجام می گرفت؛ گرچه گاه مسیری با واسطه میان مطبخ و یکی از اتاق های دمدستی ایجاد می شد.	
فضا و کالبد	در برخی محلات فرعی که شغل اغلب اهالی قالی بافی، دباجی و... بود؛ کارگاه هایی در خانه ساخته می شد (خانه های نمونه ۱ و ۴). مغازه های خرده فروش ها نیز اغلب بخشی از فضای خانه ها بود (خانه نمونه ۱۰).	فضاهای تجاری و کارگاهی
کنش ها و رفتارها	وجود فضاهای تجاری و کارگاهی در خانه ها، نشان از جدا نبودن کار و زندگی در نظام معیشت خانه های بومی اردبیل دارد. چراکه اغلب مشاغل خانوادگی و پیشه آباواجدادی افراد ساکن خانه ها بود و طی نسل ها تداوم می یافتند.	





فضا و کالبد	در خانه های بومی اردبیل از مصالح بومی متناسب با اقلیم استفاده شده است. در منطقه کوهستانی، سرد و مرطوب اردبیل، مصالحی چون سنگ، چوب، و خاک به وفور یافت می شود. بر همین اساس در خانه های بومی این منطقه، پی ها از سنگ، دیوارها از خشت، پوشش سقف تیر چوبی (چهارتراش) و نمای خانه عمدتاً آجری با آزاره سنگی بود. دیوارهای ضخیم خشتی دارای ظرفیت حرارتی زیاد بوده و موجب محافظت در برابر دمای بیرون و حفظ تعادل دمای داخل خانه می شده است. جنس در و پنجره ها چوبی، کف سازی اطاق ها و دهلیز گچ و خاک، و اندود داخلی گچ و فاقد هر گونه تزئین بود. در نمای بنا در برخی جاها مانند لبه بام، کتیبه پنجره ها و درهای ورودی تزئینات مختصر آجری کار می شد (تصویر ۱۱).  تصویر ۱۱. نمونه ای از آجرکاری در مصادیق تحقیق (عکس از نگارندگان)	مصالح و تزئینات	مقاس خرد
کنش ها و رفتارها	سادگی و عدم تکلف و پیچیدگی در کاربرد مصالح و تزئینات که به تبع در سادگی فضاهای خانه نیز منعکس شده است؛ نشان از سادگی و همگن بودن ساختار خانه ها و عدم تمایل به تشخیص بناها از یکدیگر دارد. الگوی مشابه در ساخت خانه ها موجب شده بود موضوع چگونگی ساخت پرداخت خانه برای همگان موضوعی قابل فهم باشد و بتوانند در آن مشارکت نمایند. از طرفی استفاده از مصالح بومی جنبه اقتصادی نیز داشته است.		
فضا و کالبد	برای مقابله با سرمای شدید در خانه های بومی اردبیل از راهکار پنجره های چوبی دولایه استفاده می شد. در شب های سرد سال، پنجره داخلی که سطح شیشه خور کوچکی داشت چون عایقی بر روی پنجره خارجی قرار می گرفت و به این ترتیب از اتلاف حرارت فضای داخلی جلوگیری می شد (تصویر ۱۲).  تصویر ۱۲. پنجره های دولایه خانه شماره ۸ (عکس از نگارندگان)	پنجره های دولایه	
کنش ها و رفتارها	پنجره های دولایه در هنگام نیاز به حریمیت، برگزاری مراسم زنانه و... نیز بسته شده و مانع رویت پذیر شدن فضاهای داخل خانه می شدند. این پنجره ها روشی مناسب برای کنترل جنبه های اقلیمی و فرهنگی به شمار می رفت.		
فضا و کالبد	در ابتدای دهلیز در محل ورودی خانه فضای فرورفته ای وجود دارد که با تغییر ارتفاع، خودنمایی می کند. این فضا که گاه با پرده یا جداگر چوبی از فضای دهلیز جدا می شد؛ فیلتر ورودی خانه و محل درآوردن کفش بود. این فضای کوچک مفروش نبوده و کف سازی آن از آجر، مخلوط گچ و خاک و... بوده است (تصویر ۱۳).  تصویر ۱۳: فضای کفش کن، در خانه نمونه ۶ (عکس از نگارندگان)	کفش کن	



کنش ها و رفتارها	فضای کفش کن فضایی میان فضاهای باز و بسته خانه و رابط این دو بود و فرد را برای قدم گذاشتن در فضاهای پاک و نظیف خانه آماده می کرد.		
فضا و کالبد	در خانه های قدیمی اردبیل به منظور نگهداری ملزوماتی چون چراغ ها، برخی ظروف زیبا و... تاقچه ها و برای نگهداری رخت خواب و...، کمد های دیواری در داخل دیوارهای قطور خانه تعبیه می شد.	تاقچه ها و کمد های دیواری	ب. کالبدی
کنش ها و رفتارها	مرتب و تمیز بودن فضاهای خانه یکی از ارزش های خانه و نشانه ادب و مهمانوازی و دینداری بود. خانه تمیز نشان از سلیقه خانم خانه و به تبع موجب حفظ آبروی خانواده بود. از این رو چیزهایی که لازم نبود در معرض دید باشند در داخل کمد های دیواری و اشیاء تزئینی در تاقچه ها قرار داده می شد.		
فضا و کالبد	در اردبیل قدیم به علت بالا بودن سطح آب های زیرزمینی، برای تأمین آب خانه در حیاط خانه چاه حفر می شد که توسط تلمبه دستی از آن آب برداشت می نمودند. همچنین بالا بودن سطح آب های زیرزمینی موجب عدم امکان ساخت زیرزمین شده بود؛ مگر در خانه های اعیان و متأخر که زیرزمین کوچکی در زیر بخشی از خانه ساخته می شد. البته عوامل دیگر چون تمکن مالی و سختی کار نیز در این مورد بی تأثیر نبوده است.	چاه آب	
کنش ها و رفتارها	از آب چاه برای پر کردن حوض آب، آبیاری باغچه ها، شستن ظروف و فرش و پشم، گاهی آشامیدن استفاده می شد.		

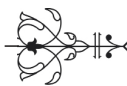
۷. بحث

والگوهای جاری رفتار در خانه های بومی اردبیل به شمار می روند. از لحاظ اقتصادی مردم اردبیل در دوره اواخر قاجار و پهلوی اول با تنگناهای زیادی مواجه بودند. لذا مصادیق سنجه های انتخاب در این رابطه پیشه نمودن قناعت، تلاش در جهت رسیدن به خودکفایی، مناعت طبع، عدم نیاز به غیر و اعتقاد به وجود دائمی برکت در خانه به عنوان بخشی از ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده منبعث از فرهنگ در افکار مردم بود و از الزامات، بایدها و قوانین پذیرفته شده زندگی آنها به شمار می رفت. همین امر آنها را ملزم به انجام اموری در خانه می نمود که از یک سو در جهت رفع نیازهای مختلف آنها بوده و از سویی دیگر نیز همسو با معانی مظاهر انتخاب یا مصادیق سنجه های انتخاب بود. نتیجه عینی این تصمیمات در وجه رفتاری صرفه جویی در مصرف مواد خوراکی، البسه، سوخت، و...، انجام امور براساس میزان نیاز، و تأمین بخشی از ملزومات زندگی (پوشاک، خوراک و...) توسط خانواده بود. در ارتباط با ساخت کالبدی خانه ها در قالب پرهیز از تکلف و ساخت فضاها متناسب با نیازهای ضروری خانواده، استفاده از مصالح بومی برای ساخت بنا (به عنوان مثال استفاده از خشت در ساخت دیوارها و تیر چوبی در سقف)، و در وجه فضایی-کالبدی، ایجاد حیاط و باغچه های بزرگ میوه و سبزی

با عنایت به بحث های مطروحه در مبانی نظری تحقیق، عامل «انتخاب» حلقه واصل میان مفاهیم عمیق فرهنگی و مظاهر ظهور یافته فضایی و رفتاری است. فرآیند انتخاب واجد چهار جزء اساسی است: (۱) مولدهای انتخاب که شامل مفاهیم ذهنی فرهنگ و عوامل محیطی هستند؛ (۲) سنجه های انتخاب که شامل بایدها و نبایدها، ارزش گذاری ها، قوانین و هنجارهای حاکم بر جامعه هستند و در زمره مولفه های سطح میانی فرهنگ قرار دارند؛ (۳) مظاهر انتخاب که شامل معانی مورد تایید افراد در ارتباط با موضوع مورد نظر (در اینجا معماری خانه) می باشد و در معانی سطوح میانی و پایین نمود می یابد؛ و (۴) نموده های انتخاب که وجه ظاهری و عینی انتخاب هستند و در قالب الگوهای فضایی و الگوهای رفتاری بروز می یابند. در خانه های بومی اردبیل می توان روند ایجاد شده برای شکل گیری الگوها و به تبع خانه را جستجو کرد. به منظور تشریح روند مذکور به ابتدای مسیر یعنی مولدهای انتخاب رجوع کرده و مسیر شکل گیری الگوهای فضایی و رفتاری (نموده های انتخاب) را پی گیری می نماییم:

۱- عوامل محیطی: اقتصاد، جامعه، اقلیم و زیست بوم از جمله مهمترین عوامل محیطی تأثیر گذار در شکل گیری ساختار فضایی





دامنه کوه سبلان و در منطقه‌ای پرباران و دارای سفره‌های آب زیرزمینی غنی اشاره نمود. بر همین اساس انطباق با محیط زیست پیرامون و استفاده بجا از نعمت‌های خدادادی زمین برای زندگی در این خطه از جمله هنجارها و انتظاراتی است که به عنوان معانی (مظاهر انتخاب)، در اذهان مردم این شهر وجود داشته است. بر همین اساس با استفاده از امکانات بومی برای تأمین آب در حیاط خانه‌ها چاه آب حفر می‌شد؛ با توجه به تفاوت شرایط جوی در ایام مختلف سال، فعالیت‌های روزمره متناسب با فصول مختلف سال انجام می‌شد؛ به این ترتیب که اغلب فعالیت‌های روزمره در مواقع گرم سال در حیاط و در مواقع سرد سال در فضاهای بسته انجام می‌گرفت؛ به علت بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی (و عوامل دیگری چون عدم تمکن مالی) در اغلب خانه‌ها زیرزمین ساخته نمی‌شد.

۲- مفروضات اساسی فرهنگ: ارزش‌ها و باورها، مذهب، جهان‌بینی و معانی سطح عالی، ایده‌آل‌ها و انگاره‌های ذهنی از جمله مهمترین مؤلفه‌های مفروضات اساسی فرهنگ یا سطح سوم فرهنگ (ر.ک. تصویر ۱)، در الگوهای مرتبط با سکونت در خانه‌های بومی اردبیل به شمار می‌روند. ارزش‌ها و باورهای مردم اردبیل عمدتاً منبعث از فرهنگ، مذهب و تجربیات تاریخی آنها از زندگی در این سرزمین بوده است. سنت‌گرایی، دین‌داری، حجاب و عفاف، مردم‌داری و شاکر بودن نسبت به نعمت‌ها و داشته‌ها، معانی بودند که خود نمودهای سنجه‌های انتخاب و از جمله ارزش‌ها، قوانین، و هنجارهای موردانتظار این مردم بود. اصول عملی این مظاهر انتخاب، انجام فرایض دینی، احترام به اصول سنتی، احترام به بزرگترها، رعایت حریم‌های جنسیتی و محرمیت، صلح‌رحم میان خویشان و آشنایان و عدم کفران نعمت و نیز رضایت از داشته‌ها بوده است. از طرفی در بعد فضایی-کالبدی خانه‌ها نیز وجود مکانی پاک در اتاق‌ها برای نماز و عبادت، اختصاص اتاق‌های بزرگتر یا نورگیر برای بزرگترهای خانواده، اختصاص یک اتاق برای مهمان، ورودی‌های متعدد برای فضاهای داخلی و وجود دو راهرو در برخی خانه‌ها برای تنظیم حریم‌ها و سلسله‌مراتب در مواقع نیاز و سادگی فضاهای مسکونی منطبق بر نیازهای خانواده، مواردی قابل اشاره در این ارتباط هستند.

از نظر مذهبی عموم مردم اردبیل از دیرباز مسلمان شیعه بوده‌اند

و فضای پرورش طیور در آن برای استفاده خانواده بوده است. در بعد اجتماعی طبقه متوسط آن روزگار از لحاظ بافت اجتماعی سنتی، همگن، ریشه‌دار، و دارای زمینه‌ای مشترک بودند. در این رابطه، سنجه‌های انتخاب یا ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مورد تأیید جامعه حفظ روابط خویشاوندی، همسایگی، ساختار خانواده و آبرو و جایگاه اجتماعی خانواده به شمار می‌رفت. بر همین اساس رفت‌وآمد مداوم و مشارکت در کارهای جمعی میان خویشاوندان و همسایگان، زندگی مشارکتی خانواده گسترده، شیوه زندگی مبتنی بر پدرسالاری، آبرو داری، و انجام رفتارهای مطابق با هنجارهای جامعه، الگوهای جاری رفتار بودند که متناسب با موقعیت اجتماعی خانواده توسط ساکنین در خانه‌های بومی اردبیل انجام می‌گرفت. در ارتباط با الزامات فضایی-کالبدی مرتبط با این موارد نیز می‌توان به ساخت حیاط وسیع در خانه برای انجام کارهای جمعی، اختصاص بزرگ‌ترین و زیباترین اتاق به عنوان مهمان‌خانه، تفکیک اتاق‌های خانه بر اساس سلسله‌مراتب و نیز ساخت خانه بدون هیچ‌گونه تشخص و برتری نسبت به دیگر خانه‌ها اشاره نمود.

از لحاظ اقلیمی با توجه به وجود زمستان‌های سرد طولانی و سرد بودن آب و هوای اردبیل در بیشتر ایام سال، حفظ شرایط بهینه زیست در سرما، تحمل سختی گذرای ایام و لزوم دوراندیشی برای زمستان سخت و طولانی از الزامات، قوانین و بایدهای زندگی در این شرایط به شمار می‌رفته است. بر همین اساس از جمله رفتارها و کنش‌های مرتبط با این مظاهر انتخاب می‌توان به ساخت خانه متناسب با شرایط اقلیمی، تأمین و ذخیره آذوقه برای زمستان، شب‌نشینی‌های زمستان و گردآمدن اعضای خانواده دور کرسی و خوردن شب‌چره برای گذراندن ایام سرما، اشاره نمود. از طرفی خانه‌ها عموماً برای جذب حداکثر انرژی تابشی خورشید به سمت جنوب شرقی جهت‌گیری می‌شدند؛ مطبخ در داخل خانه و در پشت اتاق‌ها به عنوان عایق حرارتی تعبیه می‌شد و برای اتاق‌ها نیز فضای پیش‌ورودی ساخته می‌شد. ساخت پنجره‌های دولایه چوبی، استفاده از آزاره سنگی و نیز ساخت دیوارهای ضخیم خشتی از دیگر راه کارهای اقلیمی در این خانه‌ها بود که برای مقابله با شرایط سخت آب و هوایی توسط ساکنین این خانه‌ها انتخاب و بکار گرفته می‌شد.

از منظر شرایط زیست‌بومی می‌توان به استقرار شهر اردبیل در





رفتارهایی چون احترام به مردم و انجام رفتارهای مشارکتی با آنها، انجام کارها مطابق با اصول دینی و شرعی، آمادگی دائمی برای پذیرایی از مهمانان و نیز کار و تلاش روزانه برای بهبود و حفظ وضعیت مناسب زندگی، از جمله مواردی بودند که مردم به منظور نیل به ایدآل‌های ذهنی‌شان در سطح خانه و جامعه از خود نشان می‌دادند. این موضوع در بعد کالبدی نیز در قالب ساخت حیاط بزرگ، سرسبز و دل‌باز در خانه، ساخت خانه‌هایی با کمترین تفاوت با دیگر خانه‌ها و نیز ایجاد بستری برای پذیرایی بی‌تکلف و صمیمی خویشان و نزدیکان نمود می‌یافت.

در نهایت، با مرور موارد فوق‌الذکر دریافت می‌شود که تصویرهای ذهنی ناخودآگاه و اساسی برای جهت دادن به اعمال، رفتارها و تفکرات مردم اردبیل وجود داشته است که در دو بعد کلی دنیوی و اخروی قابل دسته‌بندی هستند: پذیرش درونی نسبت به موضوع گذرا بودن عمر دنیوی و اهمیت زندگی اخروی از یک‌سو، و پذیرش شرایط بیرونی و سعی در سازگاری با آن از سوی دیگر سازنده این نگرش می‌باشد. بر همین اساس رفتارهای انتخاب‌شده متناسب با این انگاره‌های ذهنی، توجه به بعد معنوی امور در انجام کارها و انجام رفتارهایی مطابق با شرایط محیطی و جو عمومی جامعه تأثیراتی هستند که این نوع نگرش بر رفتارهای افراد گذاشته است. برای نمود کالبدی این موارد در خانه‌ها نیز، می‌توان در قالب عدم ساخت فضاهای غیرضروری در خانه، کارکرد اقلیمی خانه و ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر برای وضعیت‌های مختلف زندگی و گسترش خانواده (مانند جداگرهای چوبی داخل اتاق‌ها)، اشاره کرد. در رابطه با انعطاف‌پذیری فضا دو واژه «نیاز» و «تغییر» اصلی‌ترین مسائلی هستند که مشاهده می‌شوند. این چنین می‌توان دریافت که پلان‌ها و احجامی که بر اشکال و احجام ساده و پایه استوارند دارای قابلیت بیشتری در گسترش یافتن و انعطاف‌پذیری دارند؛ چیزی که در معماری‌های بومی و محلی بیشتر دیده می‌شود (شکوری و سید خاموشی، ۱۳۹۶). خانه‌های بومی اردبیل نیز در مقیاس‌های مختلف دارای انعطاف‌پذیری می‌باشند.

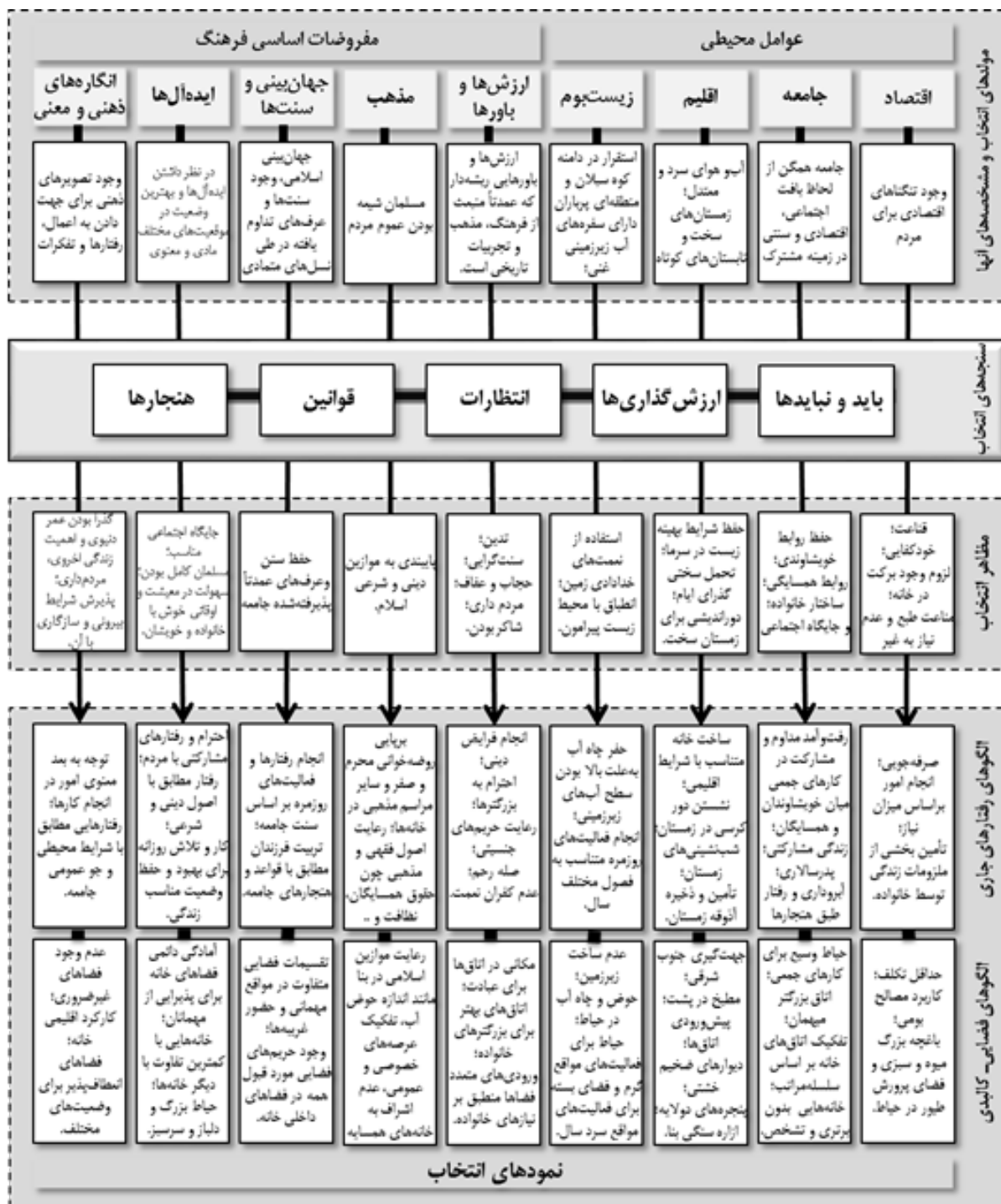
در نمودار نشان داده‌شده در تصویر ۱۴ خلاصه‌ای از مطالب فوق‌گنجانده شده است. در این نمودار مسیرهای شکل‌گیری الگوهای رفتاری و فضایی (نمودهای انتخاب)، از مولدهای انتخاب ترسیم شده است.

و پابندی به موازین دینی و شرعی اسلام از الزامات و هنجارهای پذیرفته‌شده و ریشه‌دار در میان آنها به شمار می‌رفته است؛ به‌طوری‌که اردبیل مهد تشیع نام گرفته است. در همین ارتباط برپایی مراسم روضه‌خوانی محرم و صفر و مراسمی چون جشن‌ها و سوگواری‌های مذهبی در خانه‌ها، انجام امور باتوجه به ایام عزاداری یا ولادت ائمه معصومین، رعایت اصول فقهی و مذهبی چون رعایت حقوق همسایگان، نظافت و... از جمله رفتارهای متأثر از این هنجارها به شمار می‌رود. در بعد کالبدی، می‌توان به رعایت موازین اسلامی در بنا مانند اندازه حوض آب (به اندازه‌ای که آب داخل آن کر و مباح باشد)؛ تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی، حفظ حقوق همسایه‌ها مانند رعایت عدم اشرافیت و عدم تخلف در عرصه‌های خانه‌های هم‌جوار، نام برد.

جهان‌بینی دینی و وجود سنت‌ها و عرف‌های تداوم یافته در طی نسل‌های متمادی، به شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و الزاماتی چون حفظ سنن و عرف‌های پذیرفته‌شده در جامعه به عنوان مظاهر انتخاب، دامن زده بود. از این‌رو در بعد رفتاری، انجام رفتارها و فعالیت‌های روزمره چون غذا پختن، لباس پوشیدن، غذا خوردن، انتخاب اثاث و تزئینات خانه، برگزاری مراسم مختلف و... براساس عرف و رسوم جامعه، ارتباط نزدیک اهالی خانه به یکدیگر و تربیت فرزندان مطابق با قواعد و هنجارهای جامعه نتیجه تأثیر این عرف‌ها و سنن در زندگی اهالی خانه‌های بومی در این شهر به شمار می‌رفت. در همین ارتباط و در بعد کالبدی نیز وجود تقسیمات فضایی متفاوت در مواقع مهمانی‌ها و وجود حریم‌های فضایی خرد در فضاهای داخلی خانه که مورد قبول همه بود؛ تشابه الگوی ساخت خانه‌ها در گذر زمان براساس الگوی تثبیت‌شده و... از جمله نمودهای این شیوه تفکر در این خانه‌ها به شمار می‌رفت. در هنگام برگزاری مراسم تمام فضاهای خانه مورد استفاده قرار می‌گرفت که البته اتاق مهمان در آن از جایگاهی خاص برخوردار بود.

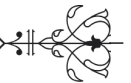
همانند هر قومی، ایده‌آل‌های مردم اردبیل، در نظر داشتن آرمان‌ها و بهترین وضعیت در موقعیت‌های مختلف مادی و معنوی باتوجه به شرایط زندگی بود. این مردم ایده‌آل‌هایشان را در مواردی چون داشتن جایگاه اجتماعی مناسب در سطح اجتماع، تلاش در جهت مسلمان کامل بودن، سهولت در معیشت و داشتن اوقاتی خوش با خانواده و خویشان خود می‌دیدند. به‌منظور نیل به موارد مذکور،





تصویر ۱۴. مسیرهای شکل گیری الگوهای مرتبط با خانه های بومی اردبیل (ترسیم: نگارندگان)





۸. نتیجه‌گیری

انسان‌ها در ارتباط با مسائل مختلف زندگی همواره در موقعیت انتخاب کردن و گزینش قرار دارند. اما آنچه مسلم است این است که افراد در شرایط مختلف عموماً مواردی را انتخاب می‌کنند که با ساختارهای ذهنی آنها در انطباق بوده و در عین حال، نتیجه آن انتخاب به رفع بخشی از نیازهای آنها منجر گردد. می‌توان چنین پنداشت که فرهنگ انسان مولد انتخاب‌های مختلف وی می‌باشد. انتخاب از سویی متأثر از شرایط محیط مادی و غیرمادی نیز است؛ که به تبع نوع پاسخ‌گویی به این شرایط نیز خود تحت تاثیر متغیرهای فرهنگی و نوع نگرش افراد قرار دارد. لذا می‌توان گفت مولدهای یا بن‌مایه‌های انتخاب مفروضات اساسی فرهنگ و عوامل محیطی هستند. مولدهای انتخاب در معرض یک نظام ارزش‌گذاری شامل مجموعه‌ای از باید و نبایدها، قوانین، هنجارها و انتظارات قرار می‌گیرند و متناسب با اینکه چه حالتی از موضوع تحت انتخاب، مناسب و چه حالتی نامناسب است؛ مورد قضاوت و ارزش‌گذاری قرار می‌گیرند. این مرحله که به تعبیر ادبیات مربوطه، تحت عنوان سطح دوم فرهنگ شناخته می‌شود، در فرایند شکل‌گیری انتخاب تحت عنوان «سنجه‌های انتخاب» شناخته می‌شود. مصادیق سنجه‌های انتخاب در قالب نظامی از معانی نمود می‌یابد که در این پژوهش تحت عنوان «مظاهر انتخاب» از آنها یاد شده است. در نهایت معانی انتخاب شده (شکل گرفته در ذهن افراد) در یک الگوی سکونت‌گاهی، در قالب مجموعه‌ای از الگوهای کالبدی و رفتاری نمود می‌یابند که مجموعه این موارد، سازمان فضایی خانه را شکل می‌دهند. این مرحله عینی‌ترین و محسوس‌ترین سطح نمودپذیری انتخاب است. بر همین اساس از آنها تحت عنوان «نمودهای انتخاب» یاد می‌شود.

روند مذکور در شکل‌گیری ساختار خانه‌های بومی اردبیل در اواخر قاجار و اوایل پهلوی نیز قابل پی‌گیری است. عوامل محیطی چون تنگناهای اقتصادی و اقلیم سرد معانی چون قناعت، خودکفایی، دوراندیشی برای زمستان سخت و... را به عنوان مصادیق سنجه‌های انتخاب شکل

داده بودند. این عوامل تأثیر زیادی در ساختاردهی کالبدی و انتظام فضاهای مسکونی خانه‌های بومی اردبیل در هر سه مقیاس کلان، میانی، و خرد داشته است که می‌توان به جهت‌گیری بنا، استقرار مطبخ در داخل خانه، کاربرد دیوارهای ضخیم خشتی و پنجره‌های دوجداره، وجود فضاهای حداقل (که متشکل از گسترش یک الگوی دو بخشی اتاق-دهلیز به صورت خطی بود)، سادگی در اجزای بنا، کاربرد مصالح بومی و... اشاره کرد. وجود مشترکات اجتماعی و فرهنگی مانند جهان‌بینی، مذهب، ارزش‌ها و باورها، و ایده‌آل‌ها در جامعه همگن و سنتی اردبیل آن روزگار موجب شکل‌گیری معانی چون لزوم حفظ روابط خویشاوندی و همسایگی، اهمیت ساختار و جایگاه خانواده، و هنجارها و ارزش‌هایی چون دین‌داری، سنت‌گرایی، حجاب و آبروداری، همدلی با مردم و مردم‌داری، در اذهان مردم شده بود. نمود کالبدی این معانی ساخت خانه‌هایی با الگوی فضایی مشابه، بدون القای برتری و تشخیص نسبت به دیگر بناها، رعایت موازین اسلامی در ساخت خانه، اتخاذ تدابیری برای رعایت حریمیت در خانه و... بوده است. از طرفی چگونگی قرارگاه‌های رفتاری، نوع استفاده از فضاها، تقسیمات فضایی، قلمروها و حریم‌های فضایی، ارتباطات فضاها، استفاده از فضاهای اشتراکی و... نیز تحت تأثیر ارزش‌گذاری‌ها، هنجارها، الزامات و باید و نبایدهای ناشی از عوامل فرهنگی بوده‌اند.

در مجموع می‌توان گفت که فرهنگ در دو مرحله انتخاب‌های انسان در رابطه با مسکن و سکونت را متأثر می‌سازد: ۱) مفروضات اساسی یا متغیرهای سطح سوم فرهنگ (تصویر ۱)، به عنوان مولدهای انتخاب محدوده و دامنه گزینه‌های انتخابی افراد را تعیین و تبیین می‌کند. ۲) سنجه‌های انتخاب یا متغیرهای سطح دوم فرهنگ (تصویر ۱)، با تعریف مجموعه‌ای از ارزش‌ها، الزامات و بایدونبایدها موجب تولید معانی و جهت‌دهی به مولدهای انتخاب می‌شوند، که شامل عوامل محیطی نیز است. این امر منجر به اولویت یافتن برخی گزینه‌ها در مقابل سایر گزینه‌ها می‌گردد. از این رو، می‌توان انتخاب‌های انسان را «انتخاب‌های فرهنگی» قلمداد کرد. تفاوت‌های فرهنگی





موضوع که بسیاری از متغیرهای مولدهای انتخاب مانند شرایط اقلیمی و برخی مفروضات اساسی فرهنگ در جوامع مختلف در طول زمان ثابت مانده‌اند؛ می‌توان از نتایج حاصل از تحلیل ساختار خانه‌های بومی برای بهبود وضعیت مسکن امروز در راستای کمک به تطابق هرچه بیشتر خانه‌ها با بوم، اقلیم، و فرهنگ جوامع سود جست.

یکی از مهمترین عواملی است که بر انتخاب‌های افراد تاثیر می‌گذارند. به این معنی که تفاوت در فرهنگ جوامع مختلف، معانی متفاوتی را در اذهان آنها ایجاد می‌کند که موجب شکل‌گیری الگوهای متفاوت رفتاری و فضایی-کالبدی مرتبط با سکونت می‌گردد.

روند تحقیق مقاله حاضر برای شناخت خانه‌های بومی اردبیل می‌تواند الگویی برای درک ساختار خانه‌های دیگر مناطق و فرهنگ‌ها به کار برده شود. به تبع آزمون روند طی شده برای اقلیم‌ها و فرهنگ‌های دیگر نتیجه‌های متفاوتی در پی خواهد داشت. با این حال، با در نظر گرفتن این

پی‌نوشت

۱. Rapoport .

۲. Oliver .

۳. Ishikawa .

۴. Silverstein .

۵. Hillier .

۶. Hanson .

۷. Alexander .

۸. Altman .

۹. Lawrence .

۱۰. Hayward .

۱۱. Shcein .

۱۲. Glassic .

۱۳. Heath .

۱۴. Chandel .

۱۵. Fathi .

۱۶. Al Tawayha .

۱۷. Abdel-Azim .

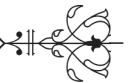
۱۸. Osman .

۱۹. Chemers .

منابع

- ۱- ارژمند، محمود، و سمیه خانی. ۱۳۹۱. نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. شهر ایرانی اسلامی (۷): ۲۷-۳۹.
- ۲- افشاری، محسن، شهرام پوردیهیمی، و بهرام صالح صدق پور. ۱۳۹۴. سازگاری محیط با روش زندگی انسان (یک چارچوب نظری، یک مطالعه موردی). مسکن و محیط روستا (۱۵۲): ۳-۱۶.
- ۳- افشاری، محسن، و شهرام پوردیهیمی. ۱۳۹۵. مقیاس‌های روش زندگی در مسکن. مسکن و محیط روستا (۱۵۴): ۳-۱۴.
- ۴- ایمان، محمدتقی، محمودرضا نوشادی. ۱۳۹۰. تحلیل محتوای کیفی. پژوهش ۳ (۲): ۱۵-۴۴.
- ۵- بیتی، حامد. ۱۳۸۹. بررسی نقش حیات در سازماندهی خانه‌های تاریخی، مطالعه موردی خانه‌های دوره قاجار تبریز. کتاب ماه هنر (۱۴۹):





۵۸-۶۴

- ۶- پوردیهیمی، شهرام. ۱۳۹۰. فرهنگ و مسکن. مسکن و محیط روستا (۱۳۴): ۳-۱۸.
- ۷- جوان فروزنده، علی، و قاسم مطلبی. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. هویت شهر ۸ (۵): ۲۷-۳۷.
- ۸- خاکپور، مژگان، مجتبی انصاری، علی شیخ مهدی، و مهدی طاووسی. ۱۳۹۴. ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی مسکن بومی. مسکن و محیط روستا ۱۴۹: ۳-۱۲.
- ۹- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۸. انسان‌شناسی مسکن. ترجمه‌ی خسرو افیلیان. تهران: حرفه هنرمند.
- ۱۰- سامه، رضا. ۱۳۹۴. زبان الگو، سرمشق طراحی: تجربه طراحی بر پایه آموزه‌های بومی. قزوین: جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- شکوری، رضا، سماء السادات سید خاموشی. ۱۳۹۶. کیفیت انعطاف‌پذیری در سنت معماری ایرانی الگوی اتاق شکم در خانه ایرانی (مطالعه موردی: خانه لاری‌های یزد). مسکن و محیط روستا (۱۵۹): ۱۱۹-۱۲۴.
- ۱۲- صادقی پی، ناهید. ۱۳۹۱. تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران. شهر و معماری بومی (۲): ۲۶۷.
- ۱۳- صفری، بابا. ۱۳۷۱. اردبیل در گذرگاه تاریخ، سه جلد. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل.
- ۱۴- فردانش، فرزین، پریسا محمدحسینی، و علی‌اکبر حیدری. ۱۳۹۳. تحلیل فرهنگی خانه سلماسی تبریز براساس نظریه رپوپورت. مطالعات معماری ایران (۵): ۸۱-۹۹.
- ۱۵- کوپر مارکوس، کلر. ۱۳۸۲. خانه نمادخویشتن. ترجمه‌ی احد علیقلیان. خیال (۵): ۸۴-۱۱۹.
- ۱۶- لنگ، جان. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی فر. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- محمدحسینی، پریسا. ۱۳۹۰. بررسی پیوند کالبد خانه و فرهنگ در خانه‌های قاجاری تبریز براساس دیدگاه ایمس رپوپورت. رساله کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- ۱۸- مداحی، سید مهدی، غلامحسین معماریان، مونا بمانی نائینی، و طلیعه خدادادی فخرآبادی. ۱۳۹۶. خوانش و فهم کالبد خانه در معماری بومی خراسان (نمونه موردی: شهر بشرویه دوره ما قبل پهلوی). مسکن و محیط روستا (۱۶۰): ۶۳-۸۰.
- ۱۹- مداحی، سید مهدی، و غلامحسین معماریان. ۱۳۹۷. خوانش پیوند سازمان فضایی خانه و شیوه زندگی در معماری بومی (مطالعه موردی: شهر بشرویه). مسکن و محیط روستا (۱۶۴): ۶۹-۸۴.
- ۲۰- مولانایی، صلاح‌الدین، و سارا سلیمانی. ۱۳۹۵. عناصر بازارش معماری بومی منطقه سیستان بر مبنای مولفه‌های اقلیمی معماری پایدار. باغ نظر (۱۳): ۴۱-۵۷.
- ۲۱- مهدوی نژاد، محمدجواد، مجید منصوریپور، و محمد هادیان‌پور. ۱۳۹۳. نقش حیاط در معماری معاصر ایران؛ مطالعه موردی: دوره‌های قاجار و پهلوی. مطالعات شهر ایرانی/اسلامی (۱۵): ۳۵-۴۷.
- ۲۲- مؤمنی، کورش و ندا ناصری. ۱۳۹۴. بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی (۹): ۳-۱۸.
- ۲۳- نیکقدم، نیلوفر. ۱۳۹۴. استخراج الگوهای اقلیمی فضاهای عملکردی در خانه‌های بومی بندر بوشهر با به‌کارگیری نظریه داده‌بنیاد. باغ نظر (۳۲): ۷۷-۹۰.
- ۲۴- ولی‌بیگ، نیما، و سحر رستگارزاده. ۱۳۹۷. مطالعه مقیاس‌های مسکن بومی روستایی سیستانی و بلوچ از منظر بازشناسی کالبدی با رویکرد انسان‌شناسی فرهنگی. مسکن و محیط روستا (۱۶۳): ۱۹-۳۲.
- ۲۵- هال، ادوارد تی. ۱۳۸۴. بعد پنهان. ترجمه‌ی منوچهر طبیبیان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۶- یزدانفر، سیدعباس، و مهسا ضرابی‌الحسینی. ۱۳۹۴. تأثیر شیوه زندگی بر سازمان فضایی خانه، مطالعه موردی: شهرستان ارومیه. انجمن معماری و شهرسازی ایران (۱۰): ۴۵-۶۱.

References

- 1- Abdel-Azim, G. G. & Kh. A. Osman. 2018. The Importance of Cultural Dimensions in the Design Process of the Vernacular Societies. *Ain Shams Engineering* 9 (4): 2755-2765.
- 2- Afshari, Mohsen, and Shahram Pourdeyhimi. 2016. Lifestyle Scales in Housing. *Maskan va Mohet-e Rousta* (154): 3-14.
- 3- Afshari, Mohsen, Shahram Pourdeyhimi, and Bahram Saleh Sadeghpour. 2015. Adaptation of Environment to Human Lifestyle (A Theoretical Framework, a Case Study). *Maskan va Mohet-e Rousta* (152): 3- 16.
- 4- Al Tawayha, F., Luis Braganca & Ricardo Mateus. 2019. Contribution of the Vernacular Architecture to the Sustainability:



- A Comparative Study between the Contemporary Areas and the Old Quarter of a Mediterranean City. *Sustainability* 11(3): 875-896.
- 5- Alexander, Ch., S. Ishikawa, and M. Silverstein. 1977. *A Pattern Language*. New York: Oxford University Press.
- 6- Altman, I. 1975. *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space Territory, Crowding*. Michigan: The University of Michigan Press.
- 7- Altman, I. and M.M. Chemers 1984. *Culture and Environment*. London: Cambridge University Press.
- 8- Arjmand, Mahmoud, and Somayeh Khani. 2012. The Role of Solitude in Iranian House. *Shahr-e Irani- Eslami* (7): 27-39.
- 9- Beyti, Hamed. 2010. Investigating the Role of the Yard in Organizing Historic Houses, Case Study of Qajar Tabriz Houses. *Ketab-e Mah-e Honar* (149): 58-64.
- 10- Chandel, S.S., Sharma, Vandna, and Bhanu M Marwah. 2016. Review of Energy Efficient Features in Vernacular Architecture for Improving Indoor Thermal Comfort Conditions. *Renewable and Sustainable Energy Reviews* (65): 459-477
- 11- Cooper Marcus, Claire. 2003. The House of Symbolism. Translated by Ahad Aligholian. *Khial* (5): 119-84.
- 12- Fardanesh, Farzin, Parisa Mohammad Hosseini, and Ali Akbar Heydari. 2014. Cultural Analysis of Tabriz's Salmasi House Based on Rapoport's Theory. *Motaleat-e Memari-e Iran* (5): 81-99.
- 13- Fathi, H. 1986. *Natural Energy and Vernacular Architecture*. Chicago: University of Chicago Press.
- 14- Glassie, Henry. 2000. *Vernacular Architecture*. Indiana: Indiana University Press.
- 15- Hall, Edward T. 2005. *Hidden Dimension*. Translated by Manouchehr Tabibian. Tehran: Tehran University Press.
- 16- Hanson, J. 1998. *Decoding Homes and Houses*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 17- Hayward, G. 1977. Psychological Concepts of Home among Urban Middle Class Families with Young Children. *Journal of Institute of Planners* (29): 23-31.
- 18- Heath, Kingston. 2009. *Vernacular Architecture and Regional Design: Cultural Process and Environmental Response*. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
- 19- Hillier, B. and Hanson, J. 1984. *The Social Logic of Space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- 20- Iman, Mohammad Taghi, Mahmoudreza Noshadi. 2011. Qualitative Content Analysis. *Pajhuhesh* 3 (2): 15-44.
- 21- Javan Forouzande, Ali, and Qasem Matalebi. 2011. The Concept of Sense of Belonging to the Place and its Constituent Factors. *Hoviyat-e Shahr* 8 (5): 27-37.
- 22- Khakpour, Mojgan, Mojtaba Ansari, Ali Sheikh Mehdi, and Mehdi Tavousi. 2015. Social-Cultural Characteristics of Vernacular Housing. *Maskan va Mohet-e Rosta* 149: 3- 12.
- 23- Lang, John. 2002. Creating Architectural Theory: *The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: Institute of Press and Publication, University of Tehran.
- 24- Lawrence, Roderick J. 1987. *Housing, Dwelling and Homes: Design, Research and Practice*. Chichester: John Wiley & Sons.
- 25- Lawrence, Roderick J. 1995. *Deciphering Home: An Integrative Historical Perspective*. London: Benjamin and Stea.
- 26- Madahi, Seyyed Mehdi, and Gholamhossein Memarian. 2018. Reading the Link between Spatial Organization of Home and Lifestyle in Venacular Architecture (Case Study: Bushehr City). *Maskan va Mohet-e Rosta* (164): 84-69.
- 27- Madahi, Seyyed Mehdi, Gholamhossein Memarian, Mona Bemani Naeini, and Talieh Khodadadi Fakhrabadi. 2017. Reading and Understanding the Structure of Khorasan Venacular Architecture (Case Study: Bashravieh City Before Pahlavi). *Maskan va Mohet-e Rosta* (160): 80-63.
- 28- Mahdavi Nejad, Mohammad Javad, Majid Mansourpour, and Mohammad Hadianpour. 2014. The Role of the Yard in Contemporary Iranian Architecture; Case Study: The Qajar and Pahlavi Periods. *Motaleat-e Shaher-e Irani- Esalami* (15): 35-47.
- 29- Mohammad Hussein, Parisa. 2011. Investigation of the link between house and culture in Tabriz's Qajar houses based on the Amos Rapoport's View. *MA Thesis in Iranian Architectural Studies*. Shahid Beheshti University. Tehran.
- 30- Molanaee, Salahedin, and Sara Suleimani. 2016. Valuable Elements of Venacular Architecture of Sistan Area Based on Climatic Components of Sustainable Architecture. *Bagh-e-Nazar* (13) 41: 57-67.
- 31- Momeni, Kurosh and Neda Naseri. 2015. Investigating the Tools and Methods of Creating Confidentiality in the House of Zinat al-Molak Shiraz in accordance with Islamic Verses and Traditions. *Researches in Islamic Architecture* (9) 3: 18-37.
- 32- Nikqadam, Niloofar. 2015. Extraction of Climate Patterns of Functional Spaces in Venacular Houses of Bushehr Port Using Data Base Theory. *Bagh-e-Nazar* (32) 12: 77- 90.
- 33- Oliver, P. .2006. Built to Meet Needs, Cultural Issues in Vernacular Architecture. Oxford, UK: Elsevier Ltd.
- 34- Oliver, P. 1981. The Cultural Context of Shelter Provision. in I. Davis (ed.), *Disasters and the Small Dwelling*. Oxford: Pergamon Press.
- 35- Oliver, P. 1997. *Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World*. 3 Vols. Cambridge: Cambridge University Press.
- 36- Purdeyhimi, Shahram. 2011. Culture and Housing. *Maskan va Mohet-e Roste* (134): 3-18.
- 37- Rapoport, Amos. 1969. *House Form and Culture*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.



- 38- Rapoport, Amos. 1992. Interview with Amos Rapoport. *Journal of Arch. & Comport. / Arch. & Behav.* 8 (1): 93-12.
- 39- Rapoport, Amos. 2003. *Cultura, Arquitectura y Diseño. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.*
- 40- Rapoport, Amos. 2007. The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis. *Traditional Dwellings and Settlements Review* 18(2): 57-72.
- 41- Rapoport, Amos. 2009. *Housing Anthropology*. Translated by Khosro Afzalian. Tehran: Honarmand.
- 42- Sadeghi Pey, Nahid. 2012. History and causes of Tendency to Vernacular Architecture in the West, Islamic countries and Iran. *Maskan va Mohet-e Rouste* (2): 7-26.
- 43- Safari, Baba. 1992. *Ardabil at the Crossing of History, 3 Vols.* Ardabil: Islamic Azad University of Ardabil.
- 44- Sameh, Reza. 2015. *Pattern Language, Design Pattern: Design Experience Based on Vernacular Teachings*. Qazvin: Iranian Students Book Agency.
- 45- Shakouri, Reza, Sama al-Sadat Sayyed Khamushi. 2017. Quality of Flexibility in Iranian Architecture Tradition in Shekam darideh Room Pattern in Iranian House (Case Study: Yazd Larry House). *Maskan va Mohet-e Rousta* (159): 124 - 119.
- 46- Shcein, Edgar H. 2010. *Organizational Culture & Leadership*. San Francisco: John Wiley & Sons.
- 47- Wali Beig, Nima, and Sahar Rastegar. 2018. Studying the Scales of Venacular Housing of Sistani and Baluchi from the Perspective of Physical Recognition with the Cultural Anthropological Approach. *Maskan va Mohet-e Rousta* (163): 19-32.
- 48- Yazdanfar, Seyed Abbas, and Mahsa Zarabi al-Husseini. 2015. The Impact of Lifestyle on House Space Organization, Case Study: Urmia City. *Anjoman-e Memari va Shahrsazi-e Iran* (10): 61-45.





Analysis of the role of cultural choices in shaping the structure of vernacular houses (Case study: Ardabil houses in late Qajar and Pahlavi first)

Parisa Mohamad Hoseini*

Ali Javan Fruzandeh **

Esmael Jahani Doulat Abad ***

Aliakbar Heidari ****

Received: 15/04/2018

Accepted: 31/10/2020

Abstract

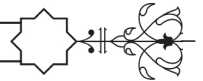
The home as the oldest and closest human shelter has a direct relationship with human culture. The connection between culture and architecture is more pronounced in vernacular residential architecture. Vernacular houses are the result of choices and adaptation of humans to the environment over time. They have evolved from the evolution of human experiences against various cultural, natural, biological, and economic factors. Human beings are always in the position of choosing different subjects of their lives. But what is true is that people usually choose things in different situations that are consistent with their mental structures, and at the same time, the result of that choice can meet their needs. It can be assumed that human culture is the basis of its various choices. Choosing is, on the one hand, influenced by the environmental conditions, which, basically, the type of response to these conditions influenced by cultural variables and attitudes of individuals. Therefore, the main question is the question of what, how and why the effect of the «choice» factor, especially cultural choices, is on the formation of the vernacular house's structure in Ardebil. The purpose of this study is to understand the semantic dimensions of the vernacular houses of Ardebil and to analyze the role of cultural choices in shaping of spatial_ physical and behavioral patterns, and in organizing the structure of houses. Accordingly, a number of houses belonging to the middle class of the city from the late Qajar and early Pahlavi periods in the traditional context of the city of Ardabil were chosen as a case study. Then the physical dimensions and cultural and behavioral components related to their inhabitants were extracted. The methodology of this research is qualitative. The method of data collection is field studies, documentary studies, and semi-structured interviews. The method of analyzing data is descriptive-analytic based on the rational reasoning method and qualitative content. The research steps are pursued in four steps: in the first step, the «basis of choice», which consists of two sections: «environmental factors» and «basic assumptions of culture» or the third level of culture, are explained; In the second step, the «Indicators of choice», which include the second-level variables of culture, such as do's and don'ts, norms, rules, expectations, and valuations, were analyzed; In the third step, the «manifestation of choice», which are examples of the Indicators of choice as «meanings», were examined; And in

* parisamh22@gmail.com

** alijavanforouzande@gmail.com

*** sml.jahani@gmail.com

**** aliakbar_heidari@iust.ac.ir



the final step, «Impressions of choice» or Patterns of space and patterns of current behaviors related to housing were analyzed.

Following the above process in the formation of the structure of vernacular Ardebil houses in the late Qajar and early Pahlavi, the results were as follows: Environmental factors such as economic bottlenecks and cold climates formed meanings such as courtesy, self-sufficiency, foresight for the winter and ... as examples of choice indicators. These factors have had a great influence on the physical structure and discipline of the residential spaces of vernacular Ardebil houses in all three macro, middle, and small scales. For example, the orientation of the building, the establishment of the kitchen inside the house, the use of thick walls of brickwork and double-glazed windows, the presence of minimal spaces (consisting of a linear extension of a two-part pattern of the atrial chamber), simplicity in the components of the building, the use of indigenous materials and Social and cultural commonalities such as worldview, religion, values, and beliefs, and ideals in the homogeneous and traditional Ardebil community of the time have shaped such meanings as the need to preserve kinship and neighborliness, the importance of the structure and position of the family, and norms and values such as religiosity, traditionalism, veil, Empathy with the people was in the minds of the people. The physical implications of these meanings are building houses of the same spatial pattern, without indicating superiority and isolation from other buildings, observing Islamic norms in the construction of houses, adopting solutions to privacy in houses, and so on. On the other hand, the behavior settings, the type of use of spaces, spatial divisions, territories and spatial boundaries, the relations of spaces, the use of communal spaces, etc. have also been influenced by valuations, norms, requirements, and the necessities of cultural factors.

In sum, it can be said that culture in two stages affects human choices in relation to the issue of housing:

1) The basic assumptions or variables of the third level of culture (Figure 1), determine and explain the range of choice options for individuals. 2) Indicators of choice or second-level variables of culture (Figure 1), by defining a set of values, requirements, and necessities, generate meanings and orientations for the basis of choice, including environmental factors. This will prioritize some options against other options. Hence, human choices can be considered «cultural choices». Cultural differences are one of the most important factors influencing people's choices. This means that differences in the culture of different societies create different meanings in people's minds that create different behavioral and physical- spatial patterns.

The research process of this paper for the recognition of vernacular Ardebil houses can be used as a model for understanding the structure of other houses in other regions and cultures. However, the method used in this research will have different results for different climates and cultures. However, given the fact that many variables of the basis of choices, such as climatic conditions and some of the basic assumptions of culture in different societies, have remained constant over time, one can use the results of the analysis of the structure of vernacular houses to improve the housing situation today in order to help make the house more consistent with the ecosystem, climate, and culture of societies.

Keywords: Culture, Choice, Iranian House, Vernacular Architecture, Ardabil.

